

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۲۸

شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱۰ می ۲۰۲۵

مجادله‌ای که بر سر تغییر نام خلیج فارس در گرفته به مردم ربطی ندارد

حمید تقوایی

پخش این خبر که ترامپ قصد دارد نام خلیج فارس را به خلیج عربی تغییر دهد با اعتراض مقامات جمهوری اسلامی و برخی از چهره‌های اپوزیسیون مواجه شده است.

عراقچی می‌گوید "تغییر نام خلیج فارس خشم همه ایرانیان، از هر قشر و گرایش سیاسی را در پی خواهد داشت"، و ظریف هم تکرار می‌کند که "تغییر نام خلیج فارس هر ایرانی میهن‌دوست از هر گرایشی را به خشم می‌آورد". بر مقامات جمهوری اسلامی حرجی نیست، اینها مثل همیشه تلاش دارند از نم‌نام خلیج کلاهی برای حفظ موقعیت لرزان خود بدوزند. اما مسئله این است که متأسفانه چهره‌هایی از اپوزیسیون نظیر حامد اسماعیلیون و توماج صالحی هم در این خشم حکومتی‌ها شریک شده‌اند. توماج صالحی در شبکه ایکس می‌نویسد: "تغییر نام خلیج فارس، هویت تمام ایرانیان را تهدید می‌کند".

و حامد اسماعیلیون در اینستاگرام می‌گوید: "تغییر نام خلیج بخشی از مردم را به حمایت از ایدئولوژی‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی سوق می‌دهد بیش از آن که کمکی به پایان عمر دیکتاتور باشد... ایران و خلیج فارس برخلاف عمر مستبدان برقرار خواهند ماند".

آیا با چنین اظهارنظرهایی توماج و خود حامد ناخواسته به‌سوی "ایدئولوژی‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی" سوق نیافته‌اند؟

ظاهراً فاجعه‌ای در حال وقوع است که همه "ایران‌دوستان"، از حکومتی‌ها تا ضدحکومتی‌ها، را در یک جبهه قرار داده است. اما اگر فاجعه‌ای در حال رخ دادن است همین هم‌جبهه‌ای است.

دعوا بر سر نام خلیج بین جمهوری اسلامی و کشورهای عربی مجاور خلیج سابقه دیرینه‌ای دارد. لابد برای ناسیونالیسم عرب هم مسئله همان قدر حیاتی است که برای ناسیونالیسم فارس. هم در زمان شاه چنین بود و هم امروز و امروز عوام‌فریب نژادپرستی مثل ترامپ دوباره این مسئله را غلیم کرده است. اما در این مجادله نه ترامپ و نه جمهوری اسلامی و نه حکومت‌های عربی هیچ‌یک خواست و منافع واقعی مردم را نمایندگی نمی‌کنند.

واقعیت قضیه این است که در این جنجال بر سر نام خلیج حکومت‌هایی که هیچ ربطی به مردم خود ندارند از مذهب و نژاد و ملیت ابزاری برای حفظ سلطه خود ساخته‌اند. نژادپرستی بی‌آبرو و بی‌اعتبار شده و مذهب هم لااقل در جوامعی مثل ایران دیگر کاربردی در عوام‌فریبی‌های حکومتی

ادامه در صفحه ۲

حوثی‌ها، ترامپ و جمهوری اسلامی

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۳

جمهوری اسلامی و قتل‌های ناموسی

ندوین شده بر مبنای برنامه پاسخ در کانال جدید

صفحه ۴

اعتراض دوهفته‌ای علیه اعدام‌ها در ایران

حسن صالحی

صفحه ۶

تشدید وخامت موقعیت جمهوری اسلامی بر سر

توافق هسته‌ای

مهران محرابی

صفحه ۷

گزارش برخی از فعالیت‌های حزب کمونیست

کارگری در خارج کشور در اول ماه مه ۲۰۲۵

صفحه ۸

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین

حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با شیوا محبوبی

صفحه ۱۰

سایر اطلاعات‌های هفته اخیر

صفحه ۱۳



مجادله‌ای که بر سر تغییر نام خلیج فارس
در گرفته به مردم ربطی ندارد
از صفحه نخست

ندارد. اما ناسیونالیسم که تقریباً در همه کشورها از غرب و شرق همچنان محترم و حق به جانب است، مهم‌ترین عامل در حفظ و شیوع این توهم است که گویا دولت‌ها نماینده ملت‌ها هستند و به خاطر حفظ منافع ملی و امنیت ملی است که موضع می‌گیرند و سیاست جهانی اتخاذ می‌کنند و با سایر دولت‌ها وارد جنگ و صلح می‌شوند. در تاریخ معاصر دنیا دو جنگ خانمان‌سوز جهانی و صدها جنگ منطقه‌ای، از جمله جنگ‌های جاری در اوکراین و غزه، برای حفظ منافع یک‌درصدی‌های حاکم در کشورها برافراشته است و توجیه و بهانه نیز همیشه دفاع از منافع ملی بوده است. خامنه‌ای هم امروز با بیرق حفظ امنیت ملی از پروژه هسته‌ای و موشک‌های دوربرد و نیروهای نیابتی اش دفاع می‌کند.

اما مردم ایران همانطور که در این موارد توجیهات ملی - میهنی حکومت را نپذیرفته‌اند، در مورد نام خلیج هم نمی‌پذیرند. مردمی که پرچم زن زندگی آزادی را برافراشته‌اند ارزش‌های دیگری دارند و اجازه نمی‌دهند تعصبات

ملی ناسیونالیستی را بجای ارزش‌های انسانی آنان بنشانند.

اگر دعوا بر سر نام است مردم از نامی دفاع می‌کنند که ارزش‌های انقلاب آنان را نمایندگی می‌کند. نام فارس یا عربی هر دو نژادی است. نام‌هایی که می‌تواند زمینه‌ساز تخاصمات و جنگ‌های مداوم باشد. نام‌هایی که حتی می‌تواند در خود ایران تفرقه‌انگیز باشد؛ چون بخش قابل توجهی از مردم در کردستان و آذربایجان و بلوچستان و خوزستان مجادله بر سر نام فارس را به خود مربوط نمی‌دانند. اگر قرار است نام جدیدی انتخاب شود باید نامی مثل "خلیج آزادی" را پیشنهاد کرد و به آن رأی داد. همانطور که جامعه ایران امروز نه با اسلام و نژاد فارس و تعصبات ملی مذهبی بلکه با زن زندگی آزادی و ارزش‌های جهان‌شمول انسانی نمایندگی می‌شود، خلیج مجاور ایران هم می‌تواند بر مبنای همین ارزش‌ها نام‌گذاری شود. اگر همه مناطق جغرافیایی جهانی، از اقیانوس‌ها و دریاها و خلیج‌ها تا کوه‌ها و دشت‌ها اسمی غیرنژادی - غیرمذهبی - غیرناسیونالیستی داشته باشند یکی از رایج‌ترین بهانه‌ها و توجیهات منازعات و جنگ‌های منطقه‌ای از میان خواهد رفت.

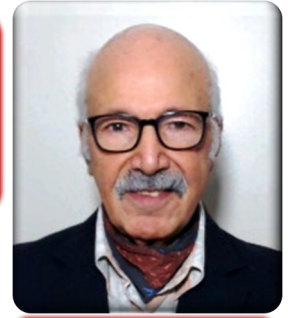
به انسان‌های شریف و مبارزی مثل توماج و حامد توصیه می‌کنیم دفاع از نام "خلیج همیشه فارس" را به سلطنت‌طلبان واگذار کنند و با پرچم زن زندگی آزادی به مقابله با ناسیونالیسمی که به زعم امثال عراقچی خشم او و همه مردم "از هر قشر و سیاست و گرایشی" را برانگیخته است برخیزند.

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۷ آوریل ۲۰۲۵



چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواستهای مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تاکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تاکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی میکنند.
(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)

حوثی‌ها، ترامپ و جمهوری اسلامی



کاظم نیک‌خواه

نیابتی جمهوری اسلامی حوثی‌ها باقی‌مانده بودند و آنها هم زیر ضربات و فشار آمریکا، ناچار به غلاف کردن سلاح‌هایشان شده‌اند. در ادامه این وضعیت است که ترامپ و معاون و وزیر امور خارجه‌اش از برچیدن کامل مراکز اتمی جمهوری اسلامی و وارد کردن نیازهای اتمی‌اش از کشورهای دیگر، سخن می‌گویند. اما برچیدن کامل بساط اتمی جمهوری اسلامی به‌سادگی به دست نخواهد آمد. چرا که چنین عقب‌نشینی‌ای برای جمهوری اسلامی یک سرشکستگی کامل است و حکومت حاضر به پذیرفتن آن نیست. حکومت اسلامی در تلاش است با توافقی حداکثر در حد برجام برسد و تحریم‌ها برداشته شود و کار تمام شود. اما برای ترامپ که توافق برجام را پاره کرده است، برجام یک شکست است و ناچار است عقب‌نشینی‌های بیشتری را به جمهوری اسلامی تحمیل کند.

متوقف کردن حوثی‌ها در واقع تلاش جمهوری اسلامی برای نشان دادن حسن‌نیت خود به ترامپ برای رسیدن به یک توافق حداقلی است. حکومت اسلامی کلاً کارت‌های زیادی روی میز ندارد. نیابتی‌هایش در لبنان و غزه ضربات مهلکی خورده‌اند و حوثی‌ها هم زیر ضربات سنگین نظامی به‌هرحال ناچار به سکوت شده‌اند. این درست است که دولت ترامپ خواهان درگیری‌های نظامی گسترده نیست، اما دولت نتانیاهو تلاشش این است که کار را به درگیری‌های نظامی بکشاند و به کمک ارتش آمریکا مراکز اتمی جمهوری اسلامی را حتی المقدور نابود کند. این پیچیدگی‌ها باعث

مدتی پیش دولت ترامپ اعلام کرد که اگر حوثی‌ها به کشتی‌های آمریکایی حمله کنند، این را از چشم جمهوری اسلامی می‌داند و به آن جواب خواهد داد. دو روز پیش ترامپ اعلام کرد که آمریکا بمباران حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی در یمن را متوقف خواهد کرد و گفت این گروه توافق کرده است که حملات به کشتی‌های آمریکایی را متوقف کند. او در دیدار با نخست‌وزیر کانادا مارک کارنی، در کاخ سفید گفت: «آن‌ها (حوثی‌ها) گفتند لطفاً دیگر ما را بمباران نکنید و ما هم به کشتی‌های شما حمله نخواهیم کرد. من هم حرفشان را قبول می‌کنم و بمباران حوثی‌ها را بلافاصله متوقف می‌کنیم».

پس از این اعلام، بدر بوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان از آتش‌بس میان آمریکا و حوثی‌ها خبر داده بود. وزیر خارجه عمان گفته است آمریکا و حوثی‌ها توافق کرده‌اند که یکدیگر را هدف قرار ندهند از جمله اینکه حوثی‌ها حمله به کشتی‌ها در دریای سرخ را متوقف کنند. عمان اعلام کرد که در میانجی‌گری این توافق آتش‌بس برای توقف حملات به کشتی‌های آمریکایی نقش داشته است.

گزارش‌هایی نیز منتشر شده که پس از تهدیدات دونالد ترامپ و پیت هگست، جمهوری اسلامی از نیروهای حوثی خواسته که از حمله به کشتی‌های آمریکایی خودداری کنند. توافق

آتش‌بس آمریکا و حوثی‌ها، در میانه مذاکرات تهران و واشینگتن به‌دست آمده است.

یک روز بعد از آن محمد عبدالسلام، مذاکره‌کننده ارشد حوثی‌ها، بنا به خبرگزاری رویترز این آتش‌بس را تأیید کرد اما گفت: این توافق به‌هیچ‌وجه و تحت هیچ شرایطی شامل اسرائیل نمی‌شود. محمد عبدالسلام به رویترز گفت: "تا زمانی که آن‌ها (آمریکا) اعلام کرده‌اند که حملات خود را متوقف می‌کنند و به آن پایبند هستند، حملات ما هم که دفاع از خود بوده است، متوقف خواهد شد".

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، نیز در تأیید آتش‌بس حوثی‌ها و ارتش آمریکا بنا به رسانه‌های جمهوری اسلامی از «پایان تجاوز آمریکا» به یمن استقبال کرد و از عمان بابت تلاش‌هایش در این زمینه تشکر کرد.

نتیجه‌ای که از این رویداد می‌توان گرفت این است که از میان نیروهای



کش‌دار شدن مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی خواهد شد. نکته مهم و اساسی در این رابطه این است که بحران بین‌المللی جمهوری اسلامی تا زمانی که این حکومت سرکار است ادامه خواهد یافت. این حکومت ضربات زیادی خورده است و شکست‌های متوالی‌ای را متحمل شده است. اما تاروپودش با بحران‌سازی تنیده شده است. بدون مرگ بر آمریکا و اسرائیل صفوفش به هم خواهد ریخت و بدون آن نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. به این دلیل حتی اگر سازش‌ها و توافقاتی هم صورت گیرد، شکننده خواهد بود و دیری نخواهد پایید. با وجود این حکومت همیشه خطر درگیری‌های خطرناک نظامی وجود خواهد داشت و خطرات آن مردم را نیز تهدید می‌کند. این معضل را نه ترامپ و نه دولتهای غربی و نه اسرائیل نمیتوانند و نمی‌خواهند حل کنند. این بحران با انقلاب مردم در ایران و سرنگونی حکومت آدم‌کش و تروریست و جنایت‌کار جمهوری اسلامی کلاً فایده خواهد یافت. *



جمهوری اسلامی و قتل‌های ناموسی

تدوین شده بر مبنای برنامه پاسخ در کانال جدید

البته مسئله فقط فرهنگ متحجر و ضد زن حاکم نیست، قوانینی وضع کرده‌اند که تماماً مبتنی بر این فرهنگ و نگرش ضد زن و پاسدار آن است. مثلاً وقتی قانون ازدواج دختر نه‌ساله را مجاز می‌داند و پدر حق دارد که دختر خردسالش را به هر مردی که معمولاً چندین برابر سن کودک سن دارد به همسری بدهد، و از سوی دیگر زن حق طلاق ندارد این عین بردگی جنسی زن است که قانونیت یافته. زمانی هم که این برده جنسی به موقعیتش پی می‌برد و خود را به درودیوار می‌زند که خود را رها کند به دست مالکش به قتل می‌رسد. قتل‌های ناموسی در واقع حق برده‌دار به مجازات برده سرکش خود است.

این تراژدی است که متأسفانه مدام تکرار می‌شود و جمهوری اسلامی به دو معنی علت و مسئول این وضعیت است. یکی از نظر فرهنگی و قوانینی که زن را کالای جنسی تلقی می‌کند و به این ترتیب زمینه قتل‌های ناموسی را فراهم می‌کند و جنبه دوم نحوه برخورد به این جنایت. بله، در جمهوری اسلامی هم قتل ناموسی جرم محسوب می‌شود؛ ولی جرم درجه چندی که کیفر خیلی سبکی دارد. در خیلی موارد هم با تأیید اخلاقی و فرهنگی همان قاضی پرونده روبرو می‌شود و مشمول دلایل مخففه می‌شود. بی‌حجابی و یا سفر بدون اجازه شوهر و یا رابطه خارج از ازدواج زن، که مجازات رسمی و شرعی‌اش سنگسار است، جرم بسیار سنگین‌تری محسوب می‌شود تا قتل دختر و یا همسر. به همین دلایل! به این ترتیب هم از نظر ایجاد شرایطی که به قتل‌های ناموسی منجر می‌شود و هم از نظر برخورد به عواقب این شرایط جمهوری اسلامی عامل مستقیم کشتار زانی است که جرمشان صرفاً زندگی به شیوه انسان قرن بیست و یکمی است.

حسن صالحی: سؤال بعدی این است که این زن‌کشی‌ها و قتل‌های ناموسی در ماه‌های گذشته افزایش پیدا کرده است. البته آمار دقیقی در دست نیست، چرا که بعضی از این قتل‌ها حتی گزارش داده نمی‌شود و یا تحت عناوین دیگری مثل خودکشی از آنها یاد می‌شود، ولی همانطور که در ابتدا اشاره کردم طبق آمار اعلام شده ۲۱ مورد قتل ناموسی تنها طی فروردین‌ماه رخ داده که نشان‌دهنده گسترده شدن این جنایت است. به نظر شما

حسن صالحی: قتل‌های ناموسی در ماه‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته. در ماه فروردین امسال دستکم ۲۱ زن توسط مردان خانواده، پدر یا برادر یا عمو یا همسر کشته شده‌اند. یکی از آخرین نمونه‌های این قتل‌های فجیع قتل زن جوان ۱۸ ساله‌ای بود به اسم فاطمه سلطانی که در اسلامشهر در مقابل چشم مردم توسط پدرش با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید. اولین سؤال من این است که بروز این قتل‌ها، که از آن به عنوان زن‌کشی هم اسم برده می‌شود، چه دلیل یا دلایلی دارد؟

حمید تقوایی: می‌شود به عوامل مختلفی اشاره کرد؛ ولی من فکر می‌کنم مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین علت وجود خود جمهوری اسلامی است. یعنی وجود یک حکومت مذهبی که کلاً نگاهش به زن مثل یک کالای جنسی است و زن را مایملک و ناموس مرد می‌داند. این تفکر از قبل هم در عقب‌مانده‌ترین و مذهبی‌ترین بخش جامعه وجود داشته و بخشی از مردان این تعصبات را داشته‌اند، ولی این تعصبات هیچ‌وقت به عنوان یک فرهنگ رسمی بر جامعه حاکم نشده بود. در جمهوری اسلامی بیشتر از ۴ دهه است که از محراب و منبر و رادیو و تلویزیون و مدیای اجتماعی مدام در جامعه پمپاژ می‌شود که زن ضعیفه است، ناقص‌العقل است، عامل تحریک مرد است، باید خود را بپوشاند، باید حجاب داشته باشد، ورزش نمی‌تواند بکند، آواز نمی‌تواند بخواند، بدون اجازه پدر و یا قیم مرد خانواده نمی‌تواند ازدواج کند، بدون اجازه شوهر نمی‌تواند سفر کند، نمی‌تواند کار کند، نمی‌تواند طلاق بگیرد، حق حضانت فرزندان را ندارد و غیره و غیره.

این فرهنگ پوسیده تبدیل شده است به فرهنگ حکومتی و رسمی و تأثیری که بر جامعه می‌گذارد این است که به تعصبات و تابوها و عقب‌ماندگی‌های فرهنگی مذهبی - مردسالارانه که در گوشه کنار جامعه وجود داشته دامن می‌زند و آن را به جلو می‌راند. همانطور که آخوندها و آیت‌الله‌های متحجری که در کنج حوزه‌های علمیه قم بیتوته کرده بودند و کاملاً در حاشیه جامعه قرار داشتند به حکومت رانده شدند، به همان شکل اخلاقیات پوسیده و مهجور آنها هم به مرکز رانده شده و به فرهنگ مجاز و رسمی حکومتی تبدیل شده. نه این حکومت جامعه را نمایندگی می‌کند و نه فرهنگ حکومتی فرهنگ جامعه را.

افزایش این جنایت یافته چه علتی دارد؟

حمید تقوایی: به نظر من علت این است که زنان دیگر به راحتی به این موقعیت برده‌وار خود تن نمی‌دهند و به اصطلاح سرکش شده‌اند. انقلاب زن زندگی آزادی اکنون بی‌حجابی را در جامعه تقریباً تثبیت کرده است. جمهوری اسلامی با تمام سرکوب و فشاری که اعمال کرده نتوانسته است این جنبش را عقب براند. در واقع این انقلاب به روی زنانی که شاید قبل از آن به هر دلیلی تابع بودند، مطیع بودند، و اعتراضی نمی‌کردند دریچه‌ای را باز می‌کند و راه جدیدی را نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که می‌توانیم به قدرت خودمان این بساط زن‌ستیزی را جمع کنیم. زنان بپا می‌خیزند تا سنت‌ها و تابوهای ضد زن را بشکنند، رأی مستقل خودشان را داشته باشند، آن‌طور که دوست دارند زندگی کنند؛ و این تعرض با برخورد شدیدتر حکومت، و با برخورد شدیدتر آن مردانی که به فرهنگ مذهبی و مردسالارانه آلوده‌اند مواجه می‌شود. تا وقتی که زنان تابع باشند طبعاً موارد قتل‌های ناموسی هم کمتر خواهد بود؛ ولی وقتی که این اعتراض و "سرکشی" در می‌گیرد، سرکوب هم، چه در شکل حکومتی و چه از جانب مردان متعصب خانواده، شدیدتر می‌شود. همان‌طور که رژیم امروز زنان بیشتری را دستگیر می‌کند، زنان بیشتری را اعدام می‌کند، و کلاً زنان و فعالین جنبش آزادی‌خواهی زنان را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد، به همان شکل مردان مبتلا به این فرهنگ متحجری که از جانب حکومت دامن زده می‌شود نیز تقلا می‌کنند تا زنان "تحت قیمومیت" خود را در همان چارچوب پوسیده تابعیت و تسلیم حفظ کنند.

البته این مقابله امری شخصی و خانوادگی نیست، بلکه در واقع عکس‌العمل عقب‌مانده‌ترین بخش‌های جامعه به انقلاب زندگی آزادی است. در دل این انقلاب بخش وسیعی از زنان و مردان آزادی‌خواه به مقابله با این فرهنگ حکومتی و قوانین ضدانسانی مبتنی بر آن برخاسته‌اند. تابوها و تعصبات، و به قول مقامات رژیم "ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی"، را عملاً در هم شکسته‌اند. این مبارزه را زنان در زندگی هر روزه و با تغییر سبک زندگی خودشان به پیش می‌برند. ما در جریان جنبش زن زندگی آزادی تظاهرات و تجمع اعتراضی علیه حجاب نداشته‌ایم؛ ولی در عین حال جنبش علیه حجاب موفق‌ترین جنبش اعتراضی در ایران است. علت این است که زنان در زندگی هر روزه حجاب را کنار گذاشته‌اند. اعتراض عربان آهو دریایی و کنسرت پرستو احمدی نیز نمونه‌های دیگری از همین شکستن هنجارهای اسلامی در زندگی روزمره است. این شیوه مبارزه بسیار موفق بوده است منتهی یک عارضه آن این است که خانواده‌های متعصبی که نمی‌توانند این هنجارشکنی را بپذیرند به خشونت بیشتر علیه زنان روی می‌آورند. به نظر من قتل‌های ناموسی آن روی سکه آزادی‌خواهی زنان است.

این را هم بگویم که این جنبش علیه تابوها و مقدسات ضد زن سابقه طولانی‌تری از انقلاب زن زندگی آزادی دارد. مدت‌هاست که در جامعه ازدواج‌های سفید، یعنی زندگی مشترک زن و مرد بدون مراسم رسمی و مذهبی، رواج دارد و یا داشتن دوست‌پسر و دختر پدیده رایجی است. در جنبش بی‌حجابی نیز حرکت دختران خیابان انقلاب با پیشتازی ویدا موحد در دی‌ماه ۱۳۹۶، یعنی حدود ۵ سال قبل از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، شکل گرفت. به نظر من این آزادی‌خواهی زنان که عملاً تابوها را

زیر پا گذاشتن است روحیه و فرهنگ جامعه را نمایندگی می‌کند و نه پدیده قتل‌های ناموسی. امروز حتی در سطح جهانی همه ایران را با زن زندگی آزادی و اولین انقلاب زنانه تاریخ می‌شناسند و نه با عکس‌العمل‌های عقب‌مانده‌ترین بخش‌های جامعه.

حسن صالحی: با این حال به نظر می‌رسد که ما با یک واقعیت متناقض روبرو هستیم. از یک طرف ما شاهد این بودیم انقلاب زن زندگی آزادی بسیاری از اخلاقیات و فرهنگ مردم و بخصوص مردان را تغییر داد. بسیاری از مردان به دفاع از زنان برخاستند، از مطالبات زنان حمایت کردند، و این همبستگی انسانی میان زن و مرد بسیار شگفت‌انگیز بود؛ ولی در عین حال می‌بینیم که بعد از فروکش انقلاب ای اتفاقات ناگوار رخ می‌دهد. این تناقض را چگونه توضیح می‌دهید؟

حمید تقوایی: همان‌طور که اشاره کردم این یک نوع عمل و عکس‌العمل هست. این سؤال شما مثل این است که پرسید در انقلاب زن زندگی آزادی با این قدرت تعرضی‌اش چرا تعداد اعدام‌ها بالا رفت؟ دقیقاً به‌خاطر اینکه انقلاب دارد تعرض می‌کند، دشمن راهی ندارد جز اینکه اعدام کند. اعدام از طرف حکومت است، قتل‌های ناموسی با تأیید عملی حکومت ولی از طرف مردانی صورت می‌گیرد که چنین تعصباتی دارند و در واقع به فرهنگ حکومتی آلوده‌اند. این دوروی سکه این واقعیت است که جامعه دارد روی تمام ارزش‌ها و تعصبات و هنجارهای اسلامی، آن هم نه تنها تابوهای رایج در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی بلکه در کل تاریخ معاصر ایران، پا می‌گذارد و از آنها عبور می‌کند. ازدواج سفید و یا داشتن دوست‌دختر و پسر، رابطه جنسی قبل از ازدواج و نظایر آن در ایران سابقه نداشته است و امروز همه این پدیده‌ها رو به گسترش است. این بازتاب دیگر فرهنگ ضد زن حاکم است. من همیشه گفته‌ام جمهوری اسلامی جامعه را به قعر دره ارتجاع و عقب‌ماندگی جوامع عشیری - قبیله‌ای برده است، و دقیقاً به همین دلیل مردم در اوج قله تمدن امروز بشری به آن پاسخ می‌گویند.

از این‌رو است که از یک سو شاهد پیشروی‌ها و دستاوردهای بی‌سابقه مردم هستیم و از سوی دیگر شاهد عکس‌العمل شدیدتر هم حکومت و هم بخشی از جامعه که اگر خود وابسته به حکومت نباشد به فرهنگ حکومتی آلوده است.

حسن صالحی: امروز کمپین‌های متفاوتی برای متوقف کردن قتل‌ها ناموسی در جامعه جریان دارد. اینها چه خواست‌های مشخصی را باید مطرح کنند؟

حمید تقوایی: به نظر من مهم‌ترین خواست این است که باید تابوها و تعصبات یا به اصطلاح "جرایمی" که قتل‌های ناموسی به خاطرش اتفاق می‌افتد را جرم‌زدایی کرد و از حیطه دخالت دولت و قانون بیرون کشید.

این نکته مهمی است؛ چون قوانین رژیم قتل زنی که رابطه خارج از ازدواج داشته باشد و یا به اصطلاح خیانت کرده باشد را مجاز می‌داند. (همین‌جا این را هم بگویم که عکس قضیه صادق نیست؛ یعنی خیانت شوهر نه تنها جرم نیست؛ بلکه تحت عنوان حق چندهمسری و صیغه دائم و موقت و غیره کاملاً شرعی و مجاز شمرده می‌شود!) در خیلی از کشورها رابطه خارج از ازدواج مذموم و غیراخلاقی است؛ ولی امری خصوصی است، جرم نیست و قانون واردش نمی‌شود. کلاً همه مذاهب و بخصوص اسلام رابطه جنسی زن و مرد را به گناه کبیره‌ای تبدیل کرده‌اند که تنها تحت شرایط و قوانینی که مذهب صادر کرده است مجاز و قابل انجام است. در ایران این تحجر مذهبی امری قانونی و دولتی است.

در مقابله با این وضعیت باید اعلام کرد

جمهوری اسلامی و قتل‌های ناموسی

از صفحه ۵

قوانینی که زن را موجودی فرو دست می‌انگارد را باید کنار زد. اینها از جمله عواملی است که وقتی از جانب زنانی که نمی‌توانند این شرایط را تحمل کنند نفی و کنار زده می‌شود به خشونت حکومتی و خانوادگی نظیر قتل‌های ناموسی منجر می‌شود.

جنبه مهم دیگر برخورد به مرتکبین قتل‌های ناموسی است. هر مورد قتل ناموسی باید به‌طور جدی و پیگیر مورد پیگرد قرار گیرد و یک جرم سنگین و غیرقابل تخفیف و بخشش تلقی شود.

اینها موارد مشخصی است که می‌تواند در دستور کار جنبش رهائی زن و کارزارهای ضد قتل‌های ناموسی قرار بگیرد. البته در این مورد هم مثل همه مسائل و مصائب مبتلا به جامعه، ریشه و اساس مسئله نفس وجود حکومت اسلامی است. باید تیشه به ریشه زد و جمهوری اسلامی را با تمام فرهنگ و قوانین زن‌ستیزانه‌اش به زیر کشید. جنبش زن زندگی آزادی همین هدف را در برابر خود قرار داده است. کارزار علیه قتل‌های ناموسی، نظیر سایر مبارزات عرصه‌ای متعددی که در جامعه جاری است، در عین اینکه برای تحقق خواسته‌های معینی می‌جنگد، خود جبهه مهمی از جنبش سرنگونی طلبانه جاری در جامعه به شمار می‌رود.

۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۸ مه ۲۰۲۵

که دولت و قانون حق ندارند در زندگی خصوصی مردم و بخصوص زنان دخالت کنند. باید اعلام کرد که زنان حق دارند شریک زندگی‌شان را انتخاب کنند و با یا بدون ازدواج با او زندگی مشترک داشته باشند، زنان و دختران جوان حق دارند دوست‌پسر داشته باشند، برای ازدواج و طلاق و مسافرت و انتخاب شغل و مسافرت و غیره به اجازه هیچ مردی نیاز ندارند، حق دارند هر لباسی که می‌خواهند بپوشند، هر نوع تفریحی داشته باشند، به هر نوع فعالیت ورزشی و هنری و اجتماعی که مایل‌اند بپردازند و غیره و غیره. برای مردان در هیچ یک از این زمینه‌ها محدودیتی وجود ندارد، برای زنان نیز باید همین‌طور باشد. مردان قیم زنان نیستند و هر قانونی که بر این مبنا باشد باید ملغی شود.

از سوی دیگر باید زمینه‌ها و شرایطی که به قتل‌های ناموسی منجر می‌شود را از بین برد. قانونی بودن ازدواج دختران خردسال از سن ناهالگی، قانونی بودن صیغه و چندهمسری، آپارتاید جنسیتی در مدارس و دانشگاه‌ها و محل کار و اجتماعات عمومی، و کلیه مناسبات و فرهنگ و

اعتراض دوهفته‌ای علیه اعدام‌ها در ایران



۲۷ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۴۰۴ (برابر با ۱۷ تا ۲۷ مه ۲۰۲۵) به مدت دو هفته در شهرهای مختلف دنیا، به اشکال گوناگون دست به اعتراض بزنند. این بازه زمانی، هم‌زمان است با سالگرد اعدام جوانان معترض موسوم به «بچه‌های خانه اصفهان»: صالح میرهاشمی، مجید کاظمی شیخ شبانی و سعید یعقوبی کرسفلی، که سحرگاه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند.

از همه نهادها، سازمان‌ها و احزاب مخالف مجازات اعدام انتظار می‌رود که از این فراخوان پشتیبانی کنند تا بتوانیم به‌صورت جمعی اجرای احکام مرگبار را در ایران متوقف کنیم.

هم‌زمان، دست یاری به سوی شهروندان شریف جهان دراز می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم از مبارزه مردم ایران برای لغو این مجازات ضدانسانی و توقف فوری تمامی احکام اعدام حمایت کنند.

در این کارزار، هدف آن است که توجه جهانیان به کمپین «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» جلب شود؛ کارزاری که بیش از یک سال است در بیش از چهل زندان ایران ادامه دارد، و در آن، زندانیان با پیشنه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی گوناگون، هر سه‌شنبه با اعتصاب غذا، فریاد اعتراض خود را علیه تمامی اعدام‌ها بلند می‌کنند.

ما می‌خواهیم در جریان اعتراضاتی که برگزار می‌شود، هر جا که ممکن است، سه‌شنبه‌ها در کنار این زندانیان بایستیم و از مقاومت شجاعانه و بی‌نظیر آنان حمایت کنیم.

مخالفت ما با اعدام، برخاسته از دفاع ما از حق بنیادین انسان به حیات و زندگی است.

بباید در این کارزار دهم‌روزه، در برابر رژیمی که نماد مرگ و نیستی است، زندگی را فریاد بزنیم.

بگذاریم صدای ما پژواک یکی از سه شعار کلیدی و الهام‌بخش این دوران باشد: زن، زندگی، آزادی!

جمهوری اسلامی در سایه مذاکرات با دولت آمریکا، موجی تازه از اعدام‌های گسترده را به راه انداخته است. تنها در ماه آوریل ۲۰۲۵، دست کم ۱۱۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند. شمار اعدام‌ها در چهار ماه نخست سال جاری میلادی نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۴، رشدی ۷۵ درصدی داشته است. از ابتدای شکل‌گیری رژیم جمهوری اسلامی اعدام و سرکوب را ابزاری برای بقا قرار داده است؛ بقایی که با گرفتن جان شهروندان تضمین می‌شود. اکنون نیز، با این تصور که مذاکرات با دولت آمریکا می‌تواند نقض حقوق بشر را به حاشیه ببرد، دست به اعدام‌های گسترده‌تری زده تا مردم به‌ستوه آمده را مرعوب و خاموش کند.

رشد فزاینده و نگران‌کننده اعدام‌ها در ایران، همه ما را فرامی‌خواند تا برای متوقف کردن ماشین مرگ و آدم‌کشی-جمهوری اسلامی، به اعتراضی یکپارچه و متحدانه دست بزنیم.

در همین راستا، در اعتراض به موج جدید اعدام‌ها، نهاد دادخواهان، کمپین «نه به اعدام» و جمعی از خانواده‌های زندانیان محکوم‌به‌اعدام، فراخوانی اعتراضی صادر کرده‌اند. در این فراخوان آمده است: «از روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت تا سه‌شنبه ۶ خرداد، برای توقف اعدام‌ها در ایران، دست‌به‌دست هم دهیم و از همه انسان‌های آزادی‌خواه و نهادهای حقوق بشری در سراسر دنیا می‌خواهیم پژواک صدای محکومان به اعدام و خانواده‌هایشان باشند».

نهاد «ندای زنان ایران» نیز به همراه «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» و «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی (ارکان ثالث)» از این فراخوان حمایت کرده‌اند، و حمایت‌های دیگر نیز در جریان است.

در خارج از کشور نیز، هم‌صدا با این فراخوان، چند نهاد و شبکه از مخالفان جمهوری اسلامی از همه آزادی‌خواهان خواسته‌اند که از تاریخ

تشدید وخامت موقعیت جمهوری اسلامی بر سر توافق هسته‌ای

مهران محبی

به دنبال فشار سناتورهای جمهوری خواه کنگره آمریکا بر رئیس جمهور برای روشن ساختن موضعش درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، ترامپ روز یکشنبه گذشته اعلام کرد که هدف او برچیدن کامل برنامه هسته‌ای رژیم اسلامی است.

این موضع ترامپ در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تا حد زیادی آب پاکی را روی دست سران حکومت ریخته و فعلاً امیدشان به اینکه با ترامپ به توافقی برسند که به قیمت تسلیم شدن کاملشان تمام نشود را به یأس تبدیل کرده است. چنین تغییر موضعی توسط ترامپ قابل پیش بینی بود. او نمی توانست یک تنه و با نادیده گرفتن منافع و مواضع دولت های اروپایی دخیل در برجام و همچنین اسرائیل با جمهوری اسلامی به توافقی مشابه برجام برسد. بعلاوه با تنش هایی در کابینه خود هم مواجه شده بود و علی رغم اینکه ناچار به کنار گذاشتن برخی از اعضای کابینه اش شد که خواهان برچیده شدن کامل غنی سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی بودند، در نهایت مجبور به پذیرش خواست مخالفان خود شد.

خامنه‌ای و ترامپ می توانستند به یک توافق در حد برجام برسند، در صورتی که فشارهایی که ترامپ فکر نمی کرد بر سرش آوار شوند، او را تا این حد در منگنه نمی گذاشتند. او هنوز کمی بیشتر از ۱۰۰ روز است که ریاست دولت آمریکا را بر عهده گرفته و با نارضایتی ها و اعتراضات عمومی نسبت به سیاست ها و اقدامات ضد مهاجرتی، ضد LGBTQ، ضد معیشتی و ایجاد گرانی و اعمال سانسور و خفقان با حذف بودجه های رسانه ها و لغو کمک های مالی به دانشگاه هایی که حاضر به پذیرش شروط وی مبنی بر تأیید و حمایت از سیاست های راسیستی و فاشیستی اش نشدند، مواجه شده است. وعده های هم که به میلیاردرها و الیگارش های آمریکایی داده بود که رونق اقتصادی ایجاد خواهد کرد و آمریکا را به مقام اول در جهان خواهد رساند، در نتیجه جنگ تعرفه ای که به راه انداخت نه تنها محقق نشد، بلکه در همین مدت کوتاه باعث سقوط بازار سهام و افزایش نگرانی ها از رکود اقتصادی شده و زیر این فشار ناچار به عقب نشینی هایی در کاهش و تعلیق برخی از تعرفه های وارداتی شده است. وعده پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین در مدت یک ماه نیز که همچنان معلق مانده و نتوانسته است کاری از پیش ببرد.

به این ترتیب وعده های انتخاباتی ترامپ تا امروز با عملی نشده اند یا معضلات جدیدی را به دنبال آورده اند و حالا او مانده است و آخرین وعده و شاید آخرین شانسش که بتواند با متحقق کردن آن اندکی از فشارهای ناشی از ناگامی های اقدامات گذشته اش را بکاهد. به همین خاطر ترامپ اگر می توانست به تنهایی با جمهوری اسلامی به توافق برسد، خیلی مایل به اعمال فشار برای گرفتن امتیازاتی فراتر از محدود کردن پروژه هسته ای جمهوری اسلامی به طوری که قادر به ساخت هسته ای نباشد، نبود. او همیشه گفته است که فقط رژیم اسلامی بمب هسته ای نداشته باشد و دیگر هیچ نمی خواهد. ولی روند مذاکره مطابق خوش بینی های ترامپ و خامنه ای پیش نرفت و حالا هر دو طرف زیر فشار دولت های اروپایی و اسرائیل قرار گرفته اند. ترامپ موضعش را تغییر داده و خامنه ای هم باید تکلیفش را روشن کند که به نظر می رسد راهی جز تن دادن به همه خواست های دولت های اروپایی و مخالفان امتیاز دادن به جمهوری اسلامی در آمریکا و اسرائیل نداشته باشد.

ترامپ پس از نشست سوم بر سر توافق هسته ای به شدت زیر فشار برای تغییر موضعش نسبت به توافق هسته ای با جمهوری اسلامی قرار گرفته بود و قبل از اینکه رسماً اعلام کند، عملاً با لغو نشست چهارم به

خامنه ای و سران رژیم اعلام کرده بود. لغو نشست عراقچی با نمایندگان انگلیس، فرانسه و ایتالیا هم که قرار بود یک روز قبل از نشست چهارم با هیئت مذاکره کننده آمریکایی برگزار شود در نتیجه تأثیرگذاری دولت های اروپایی از جمله فرانسه، انگلیس و آلمان بر تغییر موضع ترامپ بود. در این اثنا انفجار کانتینرهای حاوی مواد شیمیایی برای تهیه سوخت موشکی در بندر رجائی و به دنبال آن کشف شبکه تروریستی جدید رژیم در انگلیس نیز بزرگانی بودند که بر آتش مواضع ضدهسته ای و موشکی و ضد حمایت های جمهوری اسلامی از گروه های تروریستی در منطقه ریخته شد.

حالا مسئله توافق هسته ای به برچیده شدن کامل غنی سازی اورانیوم، توقف کامل حمایت رژیم از تروریست ها و گروگان گیری از اتباع خارجی و دو تابعیتی ها که در قالب رعایت حقوق بشر طرح شده، گره خورده است و این ها شروطی هستند که دولت های اروپایی مصمم به تحمیلشان بر جمهوری اسلامی هستند.

اینجا جمهوری اسلامی است که باید تن به تسلیم بدهد. دیگر زیاده از حد درسرساز شده و به ویژه دولت های اروپایی تاب تحملش را از دست داده اند. سیاست ها و اقدامات گروگان گیری رژیم "داد" مردم اروپا را درآورده و فشارهای اجتماعی و افکار عمومی در غرب متأثر از انقلاب "زن، زندگی، آزادی" بر دولت هایی که همواره سعی کرده اند راه مداخلات را پیشه کنند، شدت گرفته است و دیگر نمی توانند بدون در نظر گرفتن خواست های اجتماعی وارد معامله و توافق با جمهوری اسلامی شوند. از طرف دیگر اختلافات بر سر منافع سیاسی و اقتصادی میان آمریکا و اروپا بعد از به قدرت رسیدن ترامپ باعث شده تا موضوعاتی مانند حمایت از تروریسم و به اصطلاح حقوق بشر و گروگان گیری که برای ترامپ در رابطه با توافق هسته ای موضوعیت ندارد، به عنوان اهرم هایی علیه وی به شروط توافق اضافه شوند. اسرائیل نیز حاضر به کنار آمدن با ترامپ در رابطه با جمهوری اسلامی نیست و مخصوصاً بعد از انفجار سوخت موشکی در بندرعباس و اصابت موشک حوثی ها به نزدیکی فرودگاه اسرائیل خود را بیشتر از گذشته محق می داند که نباید به رژیم اسلامی هیچ اتفاقی کرد.

تا اینجا، موضوع به موقعیت جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی در رابطه با مسئله توافق هسته ای و موشکی و غیره مربوط است. موضوع اساسی تر و بنیادی تر برای رژیم، اوضاع داخلی است. خامنه ای و سران رژیم از ترس شکل گیری یک خیزش انقلابی سهمگین و نابودکننده علیه حکومتشان که بروزات آن در سطح جامعه در حال گسترش است، بیش از ترامپ مشتاق رسیدن به توافق هستند. حکومت علاوه بر اینکه از نظر سیاسی و اجتماعی مورد نفرت عمومی است، در بن بست سهمگین اقتصادی گیر افتاده و اعتراضات مردم به شرایط معیشتی و کمبودهای آب، برق، گاز و دارو و غیره هر روز وسیع تر و عمومی تر می شود.

جمهوری اسلامی زیر این فشار عمومی و سراسری است که علی رغم همه هارت و پورت های بی خاصیت و توخالی، همه تلاشش را بکار گرفته تا این توافق عملی شود. تازه ترین تقلایش برای جلب رضایت غرب و ترامپ دستور توقف حمله حوثی ها به کشتی ها در دریای سرخ است و بعلاوه قرار است پزشکبان برای دست بوسی ترامپ به عربستان بروند. همچنین سران حکومت طبق خبری که صداوسیما رژیم منتشر کرد و سپس تکذیب شد، در حال تدارک بازگشایی سفارت آمریکا در تهران هستند.

باین حال و با وجود همه تقلاهای زبانه و مستأصلانه ای که حکومت برای نجات خود در برابر ترامپ می کند، خود آمیدی به بقایش ندارد.*

گزارش برخی از فعالیت‌های حزب کمونیست کارگری در خارج کشور در اول ماه مه ۲۰۲۵

سیامک زارع شمی صلواتی

روز جهانی کارگر ۲۰۲۵

گزارش تشکیلات فرانکفورت:

تشکیلات حزب در فرانکفورت از حدود دو ماه پیش با برگزاری جلسات منظم و برنامه‌ریزی دقیق، آمادگی خود را برای حضور پرقدت در مراسم روز



جهانی کارگر آغاز کرد. این سازماندهی شامل تقسیم وظایف میان اعضا و شکل‌دهی به چهار تیم مشخص بود که هر یک مسئولیت بخشی از برنامه را بر عهده داشتند:

۱. تیم مارش (رژه):

به رهبری محمدمبین کمانگر، تیمی متشکل از اعضا و جوانان هوادار حزب تشکیل شد. این گروه با در دست داشتن پرچم‌های بسیار بلند حزب و شعار "زن، زندگی، آزادی" در مسیر مارش حضوری چشمگیر داشتند. اعضای تیم با شور، نیرو و انسجام مثال‌زدنی در صف دوم مارش قرار گرفتند و با شعاردهی و رقص پرچم‌ها در هوا، توجه بسیاری را به خود جلب کردند. با ورود به میدان اصلی سخنرانی، پرچم‌های بلند و رقصان آنان صحنه‌ای تأثیرگذار و فراموش‌نشدنی ایجاد کرد. در طول سخنرانی، این تیم در صف مقدم ایستاده بود، و در جلو دید خبرنگاران و رسانه‌ها قرار گرفت بدین خاطر در روزنامه شهری خبر حضور حزب با پرچم‌های چاپ شد. تا جایی که نماینده اتحادیه کارگری Verdi در سخنرانی خود به طور خاص از حضور فعال ایرانیان در صف نخست تشکر کرده و با انقلاب "زن، زندگی، آزادی" ابراز همبستگی نمود.

۲. تیم میز اطلاعاتی:

این تیم به مدیریت نوید محمدی مسئولیت اطلاع‌رسانی به مراجعه‌کنندگان درباره وضعیت ایران، مبارزات مردم و خواست‌هایشان علیه جمهوری اسلامی را بر عهده داشت. عملکرد این تیم بسیار موفقیت‌آمیز بود و فروش متریال‌های حزبی نسبت به سال گذشته دوبرابر افزایش یافت که نشان از استقبال و تعامل بیشتر شرکت‌کنندگان دارد.

۳. تیم تهیه و فروش (کسب درآمد):

این گروه، با مسئولیت ندا و آوا، با تدارک نوشیدنی‌ها و فروش آن‌ها در میز مستقلی که برای این منظور در نظر گرفته شده بود، توانستند اولین گام‌های موفق در جهت کسب درآمد برای تشکیلات را بردارند. استقبال خوبی از این میز به عمل آمد و عملکرد تیم در این زمینه قابل تحسین بود.

۴. تیم تصویربرداری و مستندسازی:

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فعالیت حزب کمونیست کارگری در خارج کشور، برگزاری مراسم اول ماه مه در شهرهای گوناگون جهان است. یکی از دلایل تأخیر در آمادشدن این گزارش برای نشریه انترناسیونال همین گستردگی برگزاری مراسم و ارسال گزارش از شهرهای مختلف است. آنچه در ادامه می‌خوانید تنها گزارش برخی از شهرهایی است که مراسم اول ماه مه امسال را برگزار کردند. برای اجتناب از تأخیر بیشتر، گزارشات رسیده را در این شماره منعکس می‌کنیم.

انترناسیونال

امسال فعالین حزب در خارج کشور در بیش از ده شهر با فراخوان و بنر و لوگوی حزب در کنار دیگر نیروها و احزاب و افراد چپ و سوسیالیست متحد و یکپارچه صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را به جهانیان رساندند.

اسکاندیناوی:

در شهرهای استکهلم، گوتنبرگ، مالمو، بوروس، هلسینکی و اسلو فعالین و اعضای حزب در مراسم‌های وسیعی که در شهر برپا شده بود با پرچم‌های حزب و زن، زندگی آزادی و پوسترهای زندانیان سیاسی و جان‌باختگان فاجعه بندرعباس شرکت کردند، همین‌طور میز اطلاع‌رسانی در اغلب شهرها برپا بود. در استکهلم رژه اول مه در صافی به طول ۶ کیلومتر و با حضور بیش از بیست هزار نفر برگزار شد. بنر زیبای مهسا با تیتربزرگ زنده‌باد انقلاب زنانه در ایران در ابتدای صف ما قرار داشت که مورد توجه قرار می‌گرفت. پی‌پی‌سی فارسی مصاحبه‌ای با سارا نخعی ترتیب داد که در رسانه‌ها منعکس شد. همچنین گزارش تصویری و مصاحبه‌هایی برای کانال جدید تهیه گردید.

آلمان:



در شهرهای کاسل، فرانکفورت، کلن و هانوفر رفقای ما فعالانه به صورت زیر در اول ماه مه شرکت داشتند.

گزارش واحد تشکیلات کاسل:

با برپایی چادر و میز کتاب در تجمع با برافراشتن پرچم حزب و زن زندگی آزادی شرکت داشتیم و میز اطلاعاتی حزب شامل اطلاعیه‌های کمیته خارج کشور به آلمانی و فارسی و همچنین پوسترهایی از کارگران و معلمان و فعالین زندانی بود، و مراجعه‌کنندگان زیادی در مورد مذاکرات بین ایران و آمریکا و جنگ در منطقه سؤال می‌کردند ما ضمن پاسخ به مردم، مجموعه مقالات حزب در رابطه با ترامپ و مذاکره و جنگ که به آلمانی ترجمه شده بود را پخش می‌کردیم. از آنجاکه محل چادر حزب در کنار دو حزب آلمانی سوسیال‌دموکرات و حزب سبز قرار گرفته بود به این لحاظ مراجعه‌کننده بیشتری نسبت به سال‌های قبل داشتیم.

اعضای تشکیلات کاسل

امضا جهت دفاع از کارگران بندرعباس در محل بود.

واحد تشکیلات هانوفر

ناصر کشکولی

اتریش:

واحد وین:

روز جهانی کارگر مصادف با ۱۱ اردیبهشت، یادآور خاطرات پرشور مبارزه کارگران در میدان سنندج بود. اما امسال در شهر وین شاهد برگزاری رژه‌ای پرشور به مناسبت روز جهانی کارگر بودیم. در میان جمعیتی پرانرژی با لباس‌های قرمز، پرچم‌های اتحادیه‌ها و شعارهای مطالباتی و همچنین علیه نابرابری و جنگ و گرانی، واحد وین با برافراشتن پرچم حزب حضور داشت و اطلاعیه کمیته خارج حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت روز جهانی کارگر در میان مردم پخش شد و همچنین گزارش و فیلم از مارش کارگران تهیه شد - حزی که با تمام وجود به آرمان‌هایش باور داریم - در این مراسم شرکت کردیم. حضور در کنار کارگران شهر وین برای ما، نه تنها نشانه‌ای از همبستگی جهانی، بلکه گامی کوچک در راستای معرفی مبارزات کارگران ایران و آرمان‌های حزب بود.

اتریش وین شهین کابلی

در کانادا و آمریکا اول ماه مه از طرف دولت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود و دوشنبه اول سپتامبر را جایگزین کرده‌اند. اتحادیه‌های کارگری نیز روزهای شنبه و یا یکشنبه نزدیک به اول ماه مه را برنامه‌ریزی می‌کنند. به همین جهت رفقای ما در حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق در سی سال گذشته سعی کرده‌اند با دیگر نیروهای چپ و کمونیست و اتحادیه‌های کارگری این مورد را در دستور کار قرار بدهند تا اول ماه مه را به دولت‌های حاکم تحمیل کنند. ما در سی سال گذشته سعی کرده‌ایم هر سال در روز اول ماه مه در شهرهای مهم کانادا در تورنتو و ونکوور در خیابان باشیم.

امسال نیز کمیته برگزاری اول ماه مه متشکل از حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری چپ عراق، Kurdish Community Centre احزاب کمونیست دیگری از کانادا، ترکیه، شیلی و مکزیک در روز پنجشنبه اول ماه مه در میدان یانگ و دانداس شلوغ‌ترین میدان شهر جمع شدند و علی‌رغم هوای بارانی شدید اول ماه مه را جشن گرفته و صدای کارگران را در سراسر جهان انعکاس دادند. مجری این برنامه سروش میرقاسمی از حزب کمونیست کارگری بود که به خطر فاشیسم ترامپ در جهان و جنایات نتانیاهاو در فلسطین اشاره کرد و سروش همچنین از طرف حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کرد و به مشکلات کارگران ایران و فاجعه اخیر بندرعباس اشاره کرد که مسئولیت اصلی آن به عهده رژیم اسلامی است.

در ونکوور کانادا نیز یک برنامه در آرت گالری در هوای آزاد برگزار شد که چادرهای حزب و فری دم نو نیز برپا بود.

یک برنامه هم در داخل سالن از طرف شورای کارگران شهر ونکوور برگزار شد که رفقای ما از طرف Free Them Now در آن شرکت داشتند و مسعود ارژنگ نیز یکی از سخنرانان برنامه بود.

در ویکتوریا نیز برنامه‌ای توسط جوانان کمونیست در سالن BCGU برگزار شد و رفقای ما از طرف Free Them Now در برنامه شرکت داشتند.



گزارش برخی از فعالیت‌های حزب کمونیست کارگری در خارج کشور
از صفحه ۸

این تیم متشکل از دو نفر بود؛ یکی مستقر در میدان اصلی سخنرانی و دیگری همراه با تیم مارش. این دو نفر با ثبت لحظاتی کلیدی و باشکوه از حضور تشکیلات، توانستند تصاویر بسیار باکیفیتی را برای تلویزیون کانال جدید ارسال کنند و نقش مهمی در مستندسازی این روز ایفا کردند.

جمع‌بندی:

تشکیلات فرانکفورت در روز جهانی کارگر، با انسجام، برنامه‌ریزی دقیق و مشارکت پرشور اعضا، حضوری پررنگ، تأثیرگذار و موفق داشت. این حضور نه تنها توجه مخاطبان و تشکلهای دیگر را جلب کرد، بلکه توانست پیام مردم ایران و انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را با صدایی رساتر به گوش جهانیان برساند. این عملکرد، نمونه‌ای شایسته از کار جمعی، سازمان‌یافته و متعهد بود که می‌توان آن را نقطه عطفی در فعالیت‌های تشکیلاتی دانست.

کمیته تشکیلات فرانکفورت.

گزارش تشکیلات کلن:

بر اساس سازماندهی تیم هماهنگی واحد کلن اعضای حزب به دو گروه تقسیم شدند.

گروه اول، گروه مارش:

ما با سازماندهی دقیق با برافراشتن پرچم حزب و زن زندگی آزادی در مارش کارگران تا رسیدن به محل تجمع شرکت کرده و شاهد حضور پرشور اتحادیه‌ها، احزاب و تشکلهای ایرانی و بین‌المللی بودیم.

اعضا و دوستان حزب با پیمودن مسیر سه کیلومتری با شعار سرنگون باد حکومت اسلامی و زن زندگی آزادی و همراه با گزارش و فیلم و رپرتاژ به مرکز تجمع سخنرانی احزاب رسیدند. اطلاعیه کمیته خارج به مناسبت روز جهانی کارگر توسط شیلان بهرامی قرائت شد.

گروه دوم، میز کتاب و چادر اطلاعاتی حزب:

در مرکز تجمع فضا بسیار شلوغ و باشکوه بود. اتحادیه‌های کارگری علیه بردگی مزدی جنگ و گرانی و راسیسم سخنرانی کردند و حزب با میز کتاب و پوسترهای اول ماه مه و پرچم حزب حضور داشت و مقالات مهمی در باره ترامپ و افق سوسیالیسم و علیه مذاکره رژیم با ترامپ را در معرض نمایش گذاشته بود.

مردم به میز کتاب حزب مراجعه می‌کردند و نشریات و مقالات حزب در میان مردم پخش شد.

با ابتکار جالبی رفقا یک بنر از قربانیان فاجعه کارگران بندرعباس را در دست داشتند.

کمک مالی جمع‌آوری شد.

تشکیلات کلن - آلمان.

تشکیلات هانوفر:

حزب کمونیست کارگری از سال ۲۰۰۶ با پرچم حزب و میز کتاب و چادر همیشه میزبان روز جهانی کارگر است.

امسال هم واحد حزب از ساعت ۸ صبح تا ۳ بعدازظهر در مرکز تجمع حضور داشت.

مردم از میز کتاب حزب در رابطه با ترامپ و مذاکره و جنگ پرسش می‌کردند. گزارش از تظاهرات روز جهانی کارگر و فیلم و مصاحبه با احزاب مختلف در محل انجام گرفت و مقالات حزب به زبان آلمانی در میان مردم پخش شد و اطلاعیه کمیته خارج نیز قرائت گردید.

چادر حزب در وسط احزاب مختلف آلمانی قرار داشت. پرچم حزب و پوسترهای اول ماه مه و پوستر کارگران زندانی تزیین شده بود و یک میز برای

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با شیوا محبوبی



مقدمه: در این صفحه، انترناسیونال سراغ

فعالین حزب کمونیست کارگری می‌رود و

ضمن آشنایی مختصر با این رفقا با مروری بر زندگی سیاسی آنها به جایگاه و اهمیت مبارزه متشکل و حزبی می‌پردازد. هدف به دست دادن تجربه حداکثری این فعالین در عرصه مبارزه سیاسی و انتقال تجربه سیاسی و مبارزاتی است.

انترناسیونال: شما یکی از چهره‌های سیاسی هستید که به دفعات زیادی از سوی رادیوها و تلویزیون‌های مختلف فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان در مورد مسائل ایران و خصوصاً زندانیان سیاسی و عقیدتی مصاحبه می‌شوید. هدف‌تان از حضور در رسانه‌ها چیست، آیا از این طریق برای رسیدن به اهداف‌تان موفقیتی هم کسب کرده‌اید؟

شیوا محبوبی: یکی از مؤثرترین راه‌های افشای سیاست‌ها و عملکرد جنایت‌کارانه رژیم اسلامی و درعین‌حال رساندن صدای اعتراض مردم در ایران استفاده از تریبون‌هایی است که میلیون‌ها مخاطب دارند. در دورانی زندگی می‌کنیم که مردم دسترسی وسیعی به اخبار جهان دارند و رسانه‌های بزرگ بالاخص، توجه تعداد بی‌شماری از مردم را به اخبار جلب می‌کنند. هدف من از شرکت در این مصاحبه‌ها رساندن صدای اعتراض مردم در ایران و بالاخص زنان و زندانیان سیاسی، و درعین‌حال جلب همبستگی است. در فضایی که مخصوصاً در رسانه‌های جهانی، تریبون بیشتر در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که قصد لاپوشانی جنایات رژیم را دارند، حضور کسانی مانند من کمک می‌کند که مخاطب مصاحبه، دید واقعی‌تری از شرایط ایران داشته باشد. ارزیابی خودم این است که موفق شده‌ام و در طول این چند سال در رسانه‌های مختلف انگلیسی‌زبان و فارسی و یا کردی زبان صدای زنان و زندانیان سیاسی و اعتراض مردم در ایران را به گوش مردم برسانم. در انگلستان مشخصاً در بسیاری مواقع وقتی رسانه‌های بزرگ انگلیسی‌زبان بخواهند در مورد ایران و بالاخص زنان و زندانیان سیاسی صحبت کنند من را برای مصاحبه دعوت می‌کنند. درعین‌حال در مجامع مختلفی سخنرانی داشته‌ام که کمک کرده است مخاطبین بیشتر با شرایط ایران احساس ارتباط کنند. برای مثال در یکی از موارد در سال ۲۰۲۲ در طول اعتراضات زن، زندگی، آزادی، مجله مشهور "وگ" با من و چهار زن ایرانی دیگر مصاحبه کرد و فیلم کوتاهی نیز تهیه کرده و پس از آن هر پنج نفر ما در مراسمی بین صدها نفر صحبت کوتاهی کردیم که در این مراسم تلاش‌های زنان در ایران مورد تقدیر قرار گرفت. این اتفاق کمک کرد تعداد بیشتری که معمولاً سلبریتی هستند و شاید کمتر اخبار روزانه ایران را تعقیب می‌کنند بیشتر در جریان وضعیت زنان در ایران قرار بگیرند. من افتخار می‌کنم و خوشحالم که این امکان را به وجود آورده‌ام که از طریق رسانه‌های مختلف قدم کوچکی برای انعکاس شجاعت زنان و زندانیان سیاسی بردارم.

انترناسیونال: چرا با این جدیت دنبال چنین فعالیت‌هایی هستید؟ فعالیت سیاسی را از چه زمانی شروع کردید و طی این سال‌ها در چه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فعال بوده‌اید؟

شیوا محبوبی: به نظر من همیشه تجربه‌های شخصی، زندگی، ما را به‌سوی یک شغل یا فعالیت سوق می‌دهند. فکر می‌کنم در مورد من نیز

تجارب و مشاهداتم و شرایطی که در آن، تحت حاکمیت رژیم اسلامی، بزرگ شدم باعث شد تلاش و مبارزه برای تغییر و دفاع از انسانیت را فلسفه زندگی‌ام قرار دهم.

همیشه از همان دوران کودکی حتی قبل از انقلاب تحمل ظلم و تبعیض و دیدن زورگویی برایم سخت بود. پدرم همیشه می‌گفت سرکش هستم و شوهر پیدا نخواهم کرد. به‌عنوان یک دخترچه همیشه از ظلم و تحقیر نسبت به زنان محیط زندگی‌ام عصبانی بودم. خیلی زود زندگی‌ام جدی شد. زمانی که انقلاب شد ده سال داشتم و به‌علاوه در کردستان به دنیا آمده و بزرگ شدم و این به این معناست که به‌عنوان یک کودک شاهد سرکوب‌های خشن و بی‌رحمانه رژیم بودم و در سن نوجوانی به زندان افتادم. بزرگسالان و مخصوصاً کودکان در آن شرایط سرکوب و تعرض رژیم به کردستان انتخاب زیادی نداشتند و بیشتر مجبور بودند از حقشان دفاع کنند. در سن ۱۲ سالگی به مدت شش روز دستگیر شدم فقط به این دلیل که در تظاهراتی بودم که خواهان بازگشایی مدارسمان بودیم. وقتی به‌عنوان یک کودک حتی حق مدرسه رفتن از من گرفته شد و یا پس از آن به دلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی از مدرسه دو هفته اخراج شدم، این ظلم بزرگی بود که نمی‌توانستم فراموش کنم. وقتی پاسداران به منزل حمله می‌کردند و اعضای خانواده را دستگیر می‌کردند، وقتی هم‌کلاس‌هایم از جمله دوست صمیمی‌ام را اعدام کردند و خیلی تجربه‌های دردناک دیگر، وجودم پر از خشم بود و نمی‌توانستم ساکت بمانم. جدیت من در فعالیت‌هایم و مبارزه علیه بی‌عدالتی از اعماق وجودم و از تجربه‌های یک کودک می‌آید که تصمیم گرفت انسانیت را، در هر شرایطی و به هر قیمتی، با دستان کوچکش محافظت کند. به همین دلیل من باید بگویم فعالیت‌م را از یازده‌سالگی شروع کردم. ابتدا بیشتر فعالیت‌م در زمینه دانش آموزی و به طور عموم علیه رژیم بود. بعدها بیشتر در رابطه با دو موضوع که بیشتر علاقه داشتم، وضعیت زنان در ایران و زندانیان سیاسی فعالیت داشتم. درعین‌حال من معتقد به تشکیل‌یابی و تحزب‌یابی هستم و همیشه عضو تشکلهای احزاب بوده‌ام. اما تمرکز فعالیت‌م همیشه در مورد حقوق زنان بوده چرا که این عرصه برای من بسیار مهم است. بعدها از سال ۲۰۰۹ علاوه بر عرصه زنان، فعالیت اصلی‌ام در رابطه با آزادی زندانیان سیاسی بوده است که تجربه شخصی‌ام انگیزه‌ام را برای کار در این عرصه هر چه بیشتر کرده است. در ابتدای دهه نود میلادی در ترکیه بیشتر در رابطه با "فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی" در زمینه حقوق پناهندگی و حقوق زنان کار می‌کردم، در کانادا در رابطه با حقوق زنان با "کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران" به‌عنوان سخنگو و مسئول کار می‌کردم و در آنجا فعالیت‌های زیادی برای شناساندن وضعیت زنان و افشای نقش حجاب اجباری در زندگی زنان داشتم. در آن زمان طبعاً فعالیت خیلی سخت‌تر بود چرا که توجه جهانی بر روی ایران متمرکز نبود، خبررسانی بسیار محدود بود و شبکه‌های اجتماعی وجود نداشت، اما علی‌رغم آن فکر می‌کنم برای جلب‌توجه مردم در کانادا و بالاخص شهر تورنتو به وضعیت زنان، تلاش‌های مؤثری داشتم. در سال ۲۰۰۱ به انگلستان آمدم، از ابتدا به‌عنوان مسئول روابط عمومی "کمیته بین‌المللی علیه سنگسار" و مشخصاً در زمینه حقوق زنان

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری از صفحه ۱۰

کار می‌کردم. پس از آن در زمینه زندانیان سیاسی و با "کمیته آزادی زندانیان سیاسی" می‌کنم. در عین حال در رابطه با حقوق زنان نیز، تا آنجایی که وقت اجازه بدهد فعالیت دارم.

انترناسیونال: از آن سال‌های دور بگوئید که به عنوان یک زندانی سیاسی جوان اسیر جمهوری اسلامی بوده‌اید. این سال‌های زندان چه تأثیری بر شخص خودتان داشت، آیا می‌شود گفت فعالیت‌های بعدی شما در دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی متأثر از زندانی بودن خودتان است؟

شیوا محبوبی: واقعیت این است که وقتی من در سن نوجوانی زندان و شکنجه و خشونت رژیم را تجربه کردم به نوعی این تجارب سخت شخصیت من و نوعی که به زندگی نگاه می‌کنم را شکل داد. یک بخش تجربه، ترومایی است که سال‌ها و بخشاً حتی همین الان هم با خود حمل می‌کنم و طبیعتاً تأثیر منفی بر من می‌گذارد، بخش دیگر مقاومتی است که در من شکل گرفته است که به من کمک می‌کند همچنان امید به تغییر داشته باشم و در فعالیت‌م عقب‌نشینی نکنم. تجارب من در محیطی که بزرگ شده و زندگی کرده‌ام، به عنوان یک انسان بیزار از تبعیض، یک زن و یک زندانی سیاسی سابق، هویت من و نگاهم را به زندگی شکل داده است و در نتیجه فعالیت‌م در زمینه حقوق زنان و زندانیان سیاسی از این هویت نشئت می‌گیرد.

انترناسیونال: اخیراً مستندی از زندگی شما به عنوان یک زندانی سیاسی که در جمهوری اسلامی اسیر یک حکومت به غایت ضد انسان و ضد زن بوده در پلتفرم‌های مختلف از جمله اپل و پرایم پخش شده است. در مورد این مستند بگوئید. هدف از تهیه این مستند چیست، سازندگان شما چه کسانی هستند و آیا این مستند در دسترس عموم هست و چطور می‌شود آن را دید؟

شیوا محبوبی: در اوایل تابستان ۲۰۲۴ یک کارگردان از طرف کمپانی که فیلم مستند می‌سازند با من تماس گرفت و گفت که در مورد تجربه زندان من مطالبی خوانده است و مایل است برای یک شبکه آمریکایی مستند داستان زندان من را بسازد. ایشان گفت که یک سری مستند ده‌قسمتی است که یک بخش آن داستان زندان و فعالیت من خواهد بود، گفت که

تا حال در مورد زندان، و مشخصاً زندان در ایران، مستند نساخته‌اند، اما مایل‌اند این مستند را در مورد من بسازند. این مستند سه بخش دارد و سه نفر در آن صحبت می‌کنند. من در مورد زندان و فعالیت‌م می‌گویم، یک روانکاو، سعید خلیلی‌راد، در رابطه با تأثیرات روحی روانی زندان بر من صحبت می‌کند. همچنین یکی از اعضای خانواده‌ام، عمه من، در مورد تجربه خانواده در زمانی که من زندانی بودم صحبت می‌کند. از چند ساعت مصاحبه یک مستند ۴۵ دقیقه‌ای ساخته شد. شرکت در این مستند جالب و در عین حال دردناک بود چرا که مستند در مورد من و تجارب من بود و این به این معناست که در مورد تجاربم در زندان، قبل و بعد از زندان و از دست دادن دوستانم و فشار بر خانواده صحبت کردم. با خودم فکر کردم شرکت من در این مستند کمک می‌کند که میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا که این مستند را می‌بینند، از طریق شنیدن تجارب من، هزاران زندانی سیاسی را ببینند که در زندان‌های رژیم تحت شکنجه هستند، خانواده‌هایی را ببینند که عزیزانشان را از دست داده‌اند. با خودم فکر کردم، این دریچه‌ای است برای روایتگری و افشاگری از جنایات رژیم. اگر عزیزان زیادی در میان ما نیستند و امکان بازگویی تجاربشان را ندارند، من این راسالت خود می‌دانم که صدایشان و تجاربشان را منعکس کنم. مردم در دنیا اخبار ایران را می‌شنوند، اما شنیدن روایت یک فرد که با آنها سخن می‌گوید به اسم‌ها چهره می‌دهد و بیننده می‌تواند اخبار سرکوب در ایران و وضعیت مردم را به شکل ملموس‌تری دریابد.

اسم این مستند ده‌بخشی که یکی از آنها مستند من است، Missing Presumed Dead (کسی که گم شد و فکر کردند مرده است) می‌باشد و برای کانال آمریکایی A&E در بخش جنایت و تحقیق (Crime & Investigation) تهیه شد. در این مستند ده‌بخشی، ده نفر از ترومای خود صحبت می‌کنند، اما همانطور که اشاره کردم این اولین بار است که یک بخش را به یک زندانی ایرانی اختصاص می‌دهند. فیلم کامل را از طریق کانال‌های زیر ببینید:

Crime+Investigation Channel (Sky 156 | Sky Glass/
Stream 142 | Virgin 133).

Also, on Amazon Prime & Apple TV

چند صحنه کوتاه از مستند ۴۵ دقیقه‌ای زندان را از طریق لینک زیر می‌توانید ببینید



نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری
از صفحه ۱۱

<https://www.instagram.com/reel/DFc6TAEKRie/?igsh=MmFINzF4bGQ2dGox>

انترناسیونال: می‌گویند هر فرد شغلی دارد آیا این فعالیت‌ها شغل شما برای امرارمعاش است؟ چه کار می‌کنید؟

شیوا محبوبی: فعالیت‌های من همیشه داوطلبانه بوده است و این به این معناست که در کنار فعالیت‌هایم باید برای تأمین مخارج زندگی‌ام کار کنم. طبعاً این فشار زیادی می‌آورد و بیشتر به دلیل حجم کار و فعالیت روزانه‌ای که در طول چند دهه انجام داده‌ام، همیشه خسته هستم و زمان زیادی برای استراحت ندارم. مادرم همیشه می‌گوید، “دختر جان تو سهم خودت را انجام داده‌ای و دیگر بس است” من هم در جواب همیشه به شوخی می‌گویم، آخر این که سهمیه‌بندی نیست و این جوری کار نمی‌کنه که حالا دیگر نوبت من تموم شده. من عملاً دو کار تماموقت انجام می‌دهم، شغلم و فعالیتیم. اما واقعیت این است که وقتی آدم انگیزه قوی برای فعالیتش دارد، آن تلاش و فعالیت جزو زندگی می‌شود، چرا که جزو فلسفه و نگاهش به زندگی است. به همین دلیل علی‌رغم فشار زیاد من همچنان تقریباً تمام عمرم فعالیت کرده‌ام.

من کار تماموقت شغلی‌ام روانکوی است و حتی انتخاب رشته تحصیلی و شغلم از همان اعتقاد به تغییر و کمک به انسان‌ها نشئت می‌گیرد. من این افتخار را دارم که به‌عنوان یک روانکاو با هزاران انسان از سراسر دنیا کار کرده و می‌کنم، این انسان‌ها به من اعتماد کرده‌اند و افتخار می‌کنم که بخش کوچکی از نیروی تغییر در مسیر زندگی‌شان بوده‌ام. به کارم خیلی علاقه دارم مخصوصاً وقتی با زنان کار می‌کنم و یا کسانی که قربانی شکنجه و اذیت و آزار شده‌اند و تروماهای مختلفی دارند. به‌عنوان کسی که کار در زمینه تروما یکی از تخصص‌هایم است بارها با قربانیان شکنجه در ایران و کشورهای مختلف کار کردم و شاید در این زمینه هم تجربه زندانم جهت کمک به دیگران مفید بوده است.

انترناسیونال: گفته می‌شود تا بوده همین بوده و در تاریخ صدساله ایران همیشه زندان و شکنجه و اعدام وجود داشته و حکومت‌ها همیشه برای حفظ خودشان دست به اعدام و شکنجه خواهند زد. آیا این تصویر درستی است؟ چه باید بشود که چنین چرخه‌ای برای همیشه پایان یابد؟ آیا ممکن و متصور است مردم در ایران دیگر شاهد این تاریخ هولناک نباشند، چطور ممکن است؟

شیوا محبوبی: همیشه افرادی که می‌خواهند قدرت را تحت کنترل خود داشته باشند و ثروت جامعه را به خود اختصاص دهند به اشکال مختلف

سرکوب می‌کنند، این پدیده جهانی‌ست چون ماهیت سرمایه‌داری جهانی است. در کشوری مانند ایران با دیکتاتوری عریان و در کشورهای دیگری مانند کشورهای غربی با قانون‌های تبعیض‌آمیز نهفته و آشکار و سرکوب و ستم‌گشی به اشکال ‘مدرن’ تلاش می‌شود مردم را تحت کنترل نگه دارند. اما به‌موازات سرکوب، همیشه مبارزه و مقاومت هم بوده. از زمان برده‌داری تا حال همیشه مردم با سرکوب و ستم مقابله کرده‌اند. دقیقاً به دلیل وجود همین مبارزه و مقاومت است که حکومت‌ها سرنگون شده یا عوض شده‌اند. وقتی به اوضاع در ایران نگاه می‌کنیم و اعتراضات کنونی را با ابتدای سرکار آدام رژیم اسلامی مقایسه کنیم، اگر میزان اعدام زندانیان سیاسی را با دهه شصت مقایسه کنیم، می‌بینیم این مبارزه مردم است که باعث شده است رژیم عقب‌نشینی کند. به قول زندانیان سیاسی، مقاومت زندگی است.

طبعاً راه‌حل نهایی سرنگونی رژیم است چرا که این رژیم تغییرپذیر نیست و اساس حکومت بر سرکوب و تبعیض بنا شده است. فراموش نکنیم مبارزات مردم علیه رژیم در طول بیش از ۴۶ سال در عین حال یک پروسه تغییر بافت جامعه، آگاهی بیشتر مردم، عمیق شدن انسانیت و خواست عدالت و آزادی و جامعه‌ای به‌دور از تبعیض است. اتفاقی نیست که شعار “زن، زندگی، آزادی” و معنی این شعار خواست کل جامعه شده است. همیشه رشد و بلوغ فکری مردم در جامعه، نگاه آنها به جنایات و عدالت‌خواهی کمک می‌کند که تاریخ دوباره تکرار نشده و رژیم دیگری مانند رژیم اسلامی نتواند قدرت بگیرد.

انترناسیونال: شما سال‌های بسیار طولانی است که عضو رهبری حزب کمونیست کارگری هستید. آیا هدف شما از این همه تلاش و مبارزه این بود که در چنین موقعیتی در حزب برسید، اهمیت سیاسی حضور در این سطح تشکیلاتی در حزب کمونیست کارگری را چگونه توضیح می‌دهید؟

شیوا محبوبی: به نظر من هر فردی، از جمله من، ابتدا یک معترض و مبارز است و بعد بر اساس عقیده‌اش حزب و تشکیلی را که بیانگر عقیده‌اش است انتخاب کرده و در آن متشکل می‌شود. من کادر حزب کمونیست کارگری هستم چرا که سیاست‌هایش را قبول دارم و معتقد به تحزب هستم. فعالیت‌های من برای رسیدن به مقامی در حزب نیست، من همیشه یک فعال در عرصه زنان و زندانیان سیاسی بوده و هستم. فعالیت‌های من همانطور که بالاتر اشاره کردم از اعتقاد من به تلاش برای تغییر ناشی می‌شود. از نظر من حزب هدف نیست، بلکه ابزار است. هدف سرنگونی رژیم و کمک به ایجاد یک حکومت انسانی و به‌دور از تبعیض است و حزب به‌عنوان یک ابزار در این برهه تاریخی فرصت دارد که تلاش کند تا نقش خود را برای تشکیل یک حکومت مبتنی بر شوراهای مردمی ایفا کند. پیوستن من به این حزب برای تقویت چنین تلاشی است.*

کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوایی و خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را حفظ و حراست می‌کنند، از همین منبع (یعنی با کار کارگر) تأمین می‌شود. طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روزافزون سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را می‌پردازد.

(از برنامه یک دنیای بهتر)

سایر اطلاعاتی های هفته اخیر

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و خبری دیگر

امروز پانزدهم اردیبهشت ماه بازنشستگان مخابرات در یکی دیگر از دوشنبه های اعتراضی خود در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواست هایشان در شهرهای کرمانشاه، اصفهان، سمنان، همدان، رشت، تبریز، زنجان، اهواز، تهران، ایلام و بیجار تجمع و اعتراض کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان مقابل مخابرات تجمع کرده و با خشم فریاد می زدند "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته بیدار است، از ظلم و تبعیض بیزار است"، "دیگه نگید نداریم، خسته از این شعاریم" و پیگیر مطالبات خود شدند.

در اصفهان یکی از بازنشستگان با صدای بلند فریاد زد و گفت که تا زمانی که حق و حقوقمان را نگیریم به تجمعاتمان ادامه می دهیم و جمعیت یک صدا آن را تأیید کرده و با شعارهای "ستاد فرمان امام حق ماها را خورده"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن" صدای اعتراضشان را بلند کردند.

در همدان، بندرعباس و تبریز بازنشستگان با شعارهای "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "سهامداران عمده حق ماها رو خورده"، "ستاد اجرایی حق ماها را خورده" اعتراض خود را علیه چپاولگری های حاکم فریاد زدند.

در رشت بازنشستگان با شعارهای "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، "سهامدار ظالم، حق ماها را خورده"، "تا حق خود نگیریم دوشنبه ها می آییم" بر تداوم مبارزاتشان تأکید کردند.

در زنجان بازنشستگان با شعار همکار بازنشسته اتحاد اتحاد بر تداوم متحدانه مبارزاتشان تأکید نمودند.

در این روز همچنین مال باختگان شرکت خودرویی "رضایت خودروی طراوت نوین" پس از تجمع در برابر دادسرای استان (در مجتمع ادارات پونک)، به تجمع در بزرگراه قزوین. کرج پرداخته و این خیابان را بستند. این تجمع با حمله نیروی انتظامی مواجه شد؛ اما مال باختگان به تجمع خود ادامه دادند.

شرکت "رضایت خودروی طراوت نوین"، به مدیریت پاسداری به نام محمدرضا غفاری و با پشتیبانی نهادهای قدرت، پس انداز هزاران تن از مردم را با وعده تحویل خودرو بلا کشیده است. زیر فشار اعتراضات مال باختگان دادگستری حکم محکومیت این شرکت را صادر کرده؛ اما خبری از مصادره اموال کلاهبرداران رضایت خودرو و باز پس دادن پول مردم نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۸ آپریل ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی خانواده های جان باختگان

انفجار بندر رجایی

گسترش همبستگی ها با مردم در بندرعباس

امروز سوم اردیبهشت ماه خانواده های جان باختگان فاجعه مرگبار معدن رجایی با در دست داشتن تصاویری از عزیزانشان در مقابل اسکله رجایی تجمع کرده و خواستار پاسخگویی مسئولین شدند. خانواده ها دادخواهاند و حکومت را مسئول مستقیم این جنایت می دانند. خانواده ها به کندی روند عملیات جستجوی مفقودشدگان و عدم پاسخگویی مسئولین معترضند. آنها خواستار دسترسی به اسکله و جستجو برای یافتن فرزندان و عزیزانشان و شفاف سازی درباره وضعیت اجساد و مفقودین هستند. یکی از خانواده ها با خشم و اعتراض می گوید "وزیری که وسط خاکستر ایستاده و می گوید: "همه چیز عادی است"، باید خودش را در آینه نگاه کند و بگوید: تو دروغ می گویی! به ما می گویند "ماهواره دروغ می گوید".

همبستگی با خانواده های جان باختگان انفجار بندر اسکله و مردم بندرعباس گسترده است. در اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگری یک موضوع مهم تجمعات و بیانیه های این روز، همبستگی با مردم بندرعباس و خانواده های جان باختگان انفجار بندر رجایی بود. "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر" شعاری است که در تجمعات بازنشستگان سر داده شده و اکنون به شعار اعتراضی مردم بر درودیوار تبدیل شده است. خانواده های دادخواه با بازماندگان فاجعه بندرعباس در سالروز تولد متین نادرخوانی در تهران اعلام همبستگی کردند. همچنین خانواده های دادخواه هواپیمای اوکراینی در همبستگی با این خانواده ها برای ساعت هفت عصر- امروز سوم اردیبهشت ماه در یونیتی پارک، ریچموند هیل و شهرهای لندن، برلین، فرانکفورت، هیوستون، کبک، مونترال، شیکاگو و نورنبرگ فراخوان به روشن کردن شمع به یاد جان باختگان فاجعه بندر رجایی را داده اند.

یک بخش زیبای همبستگی ها کاروان های همبستگی رانندگان کامیون و رژه اعتراضی آنها در شهرهای مختلف از جمله در زین شهر، نیشابور، اردبیل، کازرون، اسدآباد، گلپایگان، تاکستان، اصفهان، مریوان، مشهد، زنبد، کرمانشاه و دیزجه است.

مردم به درست حکومت را مسئول این جنایت می دانند و خواست اول آنها شفاف سازی و معرفی و محاکمه مسئولین مستقیم این جنایت است. خواست های دیگر مردم عبارت اند از: اعلام رسمی تعداد کشته شدگان با اسم و مشخصات، درمان رایگان و با کیفیت برای مصدومین این انفجار، سرعت بخشیدن به عملیات برای پیدا کردن رد و نشانی از مفقودین، پاک سازی محل به لحاظ آلودگی های شیمیایی ناشی از انفجار و تهیه نیازهای فوری مردم از جمله ماسک به خاطر آلوده شدن هوای تنفسی، بازسازی فوری اسکله و پرداخت خساراتی که به کار و زندگی مردم وارد شده است.

انفجار بندر رجایی و قربانی شدن ده ها نفر از کارگران و مردم، جنایتی دیگر از جنایات حکومت در کنار دیگر جنایاتش است. بنا بر گزارشات سپاه و باندهای مافیایی حکومت پشت رخداد فاجعه انفجار هستند. جامعه جهانی را باید از ابعاد این جنایت مطلع کرد. جمهوری اسلامی به خاطر تمام جنایاتش باید بایکوت و در انزوای جهانی قرار گیرد. از اعتراضات خانواده های جان باختگان بندر رجایی وسیع حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳ مه ۲۰۲۵

تجمع کارگران ارکان ثالث فلات قاره در یازده اردیبهشت و اخباری دیگر

بازداشت شدگان اول مه و متروی تهران باید فوراً آزاد شوند

همانطور که قبلاً گزارش کرده بودیم در جریان برگزاری روز جهانی کارگر تعدادی در تهران و دیگر شهرها بازداشت شدند که چهار نفر از آنها به اسامی ولی میرزا سیدی، فراخی شاندیز، احمد حیدری از تهران و حسین عبادیان معلم بازنشسته اهل ملایر و ساکن شهریار همچنان در زندان به سر می برد. حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان اول مه تأکید دارد. بنا بر خبرها میرزا سیدی به زندان اوین منتقل شده است.

همچنین در ادامه گزارشات روز جهانی کارگر و بر اساس خبر منتشر شده در مدیای اجتماعی کارگران ارکان ثالث شرکت نفت فلات قاره منطقه عملیاتی لاوان و سکوه های سلمان و بلال در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر برای پیگیری مطالبات خود برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند و روز جهانی کارگر را تریبیک گفته و گرامی داشتند. این کارگران همچنین همبستگی خود را با مردم بندرعباس اعلام کردند. طبق این گزارشات بیش از ۸۰ درصد امور عملیاتی و بهره برداری در نفت توسط کارگران ارکان ثالث انجام می شود؛

در زنجان بازنشستگان با شعار همکار بازنشسته اتحاد اتحاد بر تداوم متحدانه مبارزاتشان تأکید نمودند.

در این روز همچنین مال‌باختگان شرکت خودرویی "رضایت‌خودروی طراوت نوین" پس از تجمع در برابر دادرسی استان (در مجتمع ادارات پونک)، به تجمع در بزرگراه قزوین، کرج پرداخته و این خیابان را بستند. این تجمع با حمله نیروی انتظامی مواجه شد؛ اما مال‌باختگان به تجمع خود ادامه دادند.

شرکت رضایت‌خودروی طراوت نوین"، به مدیریت پاسداری به نام محمدرضا غفاری و با پشتیبانی نهادهای قدرت، پس‌انداز هزاران تن از مردم را با وعده تحویل خودرو بالا کشیده است. زیر فشار اعتراضات مال‌باختگان دادگستری حکم محکومیت این شرکت را صادر کرده؛ اما خبری از مصادره اموال کلاهبرداران رضایت خودرو و باز پس دادن پول مردم نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، مه ۵، ۲۰۲۵

اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی، فولاد، و کارگران رسمی نفت و خبری دیگر

امروز ۱۴ اردیبهشت‌ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و معدن به روال هر یکشنبه در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و اختلاسگری‌های حاکم و برای پیگیری خواست‌های خود در چندین شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمعات در شهرهای اهواز، شوش، تهران، اصفهان و کرمان برگزار شدند.

در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل اداره کل این سازمان تجمع داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گفت آمریکاست"، "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن"، "ننگ ما، ننگ ما، صد اوسیمای ما"، "آهای رئیس دولت، دروغ گفتی به ملت"، "بندرباس تسلیت، تسلیت"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه".

در تهران بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی جمع شدند و از جمله شعار دادند "از معدن تا بندر، قتلگاه کارگر"، "از معدن تا بندر، نامنی کارگر".

در شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی از شهرهای کرخه، شوش و هفته تبه جمع شدند و با شعارهای اعتراضی خود و سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" کل بساط توحش و بردگی را به چالش کشیدند. برخی شعارهای بازنشستگان عبارت بود از "از خوزستان تا گیلان/ ننگ بر این مدیران"، "سفره نان ما/ چه می‌خواهیم از جان ما"، و "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم".

در این روز بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و کرمان تجمع داشتند. در اصفهان بازنشستگان فولاد مقابل صندوق بازنشستگی در خیابان نشاط جمع شده بودند و با راهپیمایی و شعار "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند.

- در این روز همچنین کارکنان رسمی نفت ورودی‌های آزمون سال ۹۲ به بعد، در اعتراض به عدم توجه و رسیدگی به خواست‌هایشان، تجمع بزرگی را در مقابل وزارت نفت برگزار کردند. این کارکنان خواهان اصلاح و به‌روزرسانی جدول پایه حقوق خود، اجرای صریح و کامل ماده ۱۰ قوانین وزارت نفت، اصلاح میانگین شایستگی و طرز کار و اجرای فوق‌العاده ترمیم حقوق و فوق‌العاده خاص برای کارکنان باتوجه‌به زمان استخدام (سال ۹۲) که می‌بایستی تعدیل مدرک و مدت‌زمان پیمانی طبق قانون ۹۲ باشد.

آخرین خبر اینکه روز شنبه سیزدهم اردیبهشت ۱۴۰۴، اهالی پنج روستای باغ بهزاد، سلح‌چین، بابامنصور، قلعه‌چ و دهنو باغ بهزاد در مقابل فرمانداری خانمیرزا در استان چهارمحال‌بوختیاری تجمع کردند و به فعالیت مخرب سنگ‌شکن‌ها و تخریب محیط‌زیست و آلودگی هوا اعتراض نمودند. معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار توقف فوری عملیات این واحدها شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، مه ۴، ۲۰۲۵

اما در دریافت مزد و مزایا همیشه با تبعیضات و نابرابری‌ها مواجه هستند. مطالبات همکاران ارکان ثالث در مناطق عملیاتی جنوب عبارت‌اند از: حذف فوری پیمانکاران نفت، افزایش مزد متناسب با شرایط بحرانی و گرانی افسارگسیخته بازار، اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل، اعمال مفاد رأی ۳۱۸۸ دیوان در پرداخت‌های مزدی و...

اعتراضات بر سر معیشت گسترده است و امروز ۱۳ اردیبهشت مردم در گناوه در اعتراض به حذف زمین فرودگاه گناوه دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضین می‌گفتند جنگل‌خواری و کوه‌خواری به زمین فرودگاه‌خواری هم رسید.

خبر دیگر اینکه طی روزهای اخیر جمعی از کارگران فصلی مجتمع نیشرک هفت‌تپه در اعتراض به وضعیت شغلی خود در محوطه این مجتمع تجمع کردند. این کارگران که به‌صورت روزمزدی در مزارع نیشرک فعالیت دارند، خواستار تبدیل قراردادهای خود به قرارداد دائم هستند. به گفته کارگران آنها فقط در فصل برداشت کار می‌کنند و در باقی سال بیکارند و خواستار عقد قرارداد دائم و داشتن امنیت شغلی هستند.

آخرین خبر مربوط به دستگیری پنج نفر از کارگران شرکت بهره‌برداری مترو در آستانه روز جهانی کارگر است. این دستگیری‌ها به دنبال تجمع اعتراضی کارگران مترو تهران در دهم اردیبهشت انجام گرفت. کارگران مترو قبل از آن نیز در سی و یکم فروردین‌ماه تجمع بزرگی داشتند.

جمعی از کارگران متروی تهران طی بیانیه‌ای به این دستگیری‌ها اعتراض کرده و می‌نویسند: "این اقدام ناعادلانه، نه یک خطای موردی، بلکه نشانه‌ای روشن از تلاش سیستماتیک برای سرکوب صدای حق‌طلبی و مطالبه‌گری کارگران است. بی‌تردید، مفسدان و زیاده‌خواهان که سال‌هاست در سایه رانت و فساد، برای خود حاشیه‌ای امن ساخته‌اند، تاب شنیدن صدای عدالت‌خواهی را ندارند و هر صدای مستقلی را تهدیدی برای منافع ناحق خود می‌بینند. اما کور خوانده‌اند... ما با تمام توان، از همکاران خود حمایت می‌کنیم و اعلام می‌داریم که راهمان نه‌تنها متوقف نخواهد شد، بلکه با عزمی راسخ‌تر و اراده‌ای نیرومندتر ادامه خواهد یافت. ما از دل فشارها، قوی‌تر بیرون خواهیم آمد. نه سکوت می‌کنیم، نه عقب می‌نشینیم و فریادمان را در میدان، بلندتر از همیشه طنین‌انداز خواهیم کرد."

بدین ترتیب کارگران مترو در تهران پیگیر مطالبات خود و در رأس آن آزادی فوری و بدون قیدوشرط همکاران بازداشتی خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، مه ۳، ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و خبری دیگر

امروز پانزدهم اردیبهشت‌ماه بازنشستگان مخابرات در یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی خود در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در شهرهای کرمانشاه، اصفهان، سنندج، همدان، رشت، تبریز، زنجان، اهواز، تهران، ایلام و بیجار تجمع و اعتراض کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان مقابل مخابرات تجمع کرده و با خشم فریاد می‌زدند "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته بیدار است، از ظلم و تبعیض بیزار است"، "دیگه نگید نداریم، خسته از این شعاریم" و پیگیر مطالبات خود شدند.

در اصفهان یکی از بازنشستگان با صدای بلند فریاد زد و گفت که تا زمانی که حق و حقوقمان را نگیریم به تجمعاتمان ادامه می‌دهیم و جمعیت یک‌صدای آن را تأیید کرده و با شعارهای "ستاد فرمان امام حق ماها را خورده"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن" صدای اعتراضشان را بلند کردند.

در همدان، بندرعباس و تبریز بازنشستگان با شعارهای "شرکت پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "سهام‌داران عمده حق ماها رو خورده"، "ستاد اجرایی حق ماها را خورده" اعتراض خود را علیه چپاولگری‌های حاکم فریاد زدند.

در رشت بازنشستگان با شعارهای "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "سهام‌دار ظالم، حق ماها را خورده"، "تا حق خود نگیریم دوشنبه‌ها می‌آییم" بر تداوم مبارزاتشان تأکید کردند.

اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران نفت گجساران و فراخوان کارگران ارکان ثالث به تجمع مقابل وزارت نفت

بنا بر خبرهای منتشر شده امروز شانزدهم اردیبهشت کارگران ارکان ثالث در نفت گجساران در اعتراض به عدم تعیین تکلیف شغلی شان، بعد از ۱۰ الی ۱۸ سال اشتغال و پاسخ نگرفتن خواست‌های اعلام شده خود اعتصاب کرده و در مقابل فرمانداری گجساران تجمع کردند.

طبق گزارشات این کارگران با وضعیت استخدامی بلا تکلیف در شرایطی سخت و دشوار و با دستمزدی بسیار ناچیز و نداشتن امنیت شغلی کار می‌کنند و خواستار استخدام خود در نفت و حذف پیمانکاران هستند.

کارگران ارکان ثالث در اعتراض به وخامت هر روزه شرایط کار و معیشت خود برای روز هفده اردیبهشت به تجمع در مقابل وزارت نفت فراخوان داده‌اند.

اهم مطالبات کارگران ارکان ثالث عبارت است از حذف پیمانکار و تبدیل وضعیت، همسان سازی حقوقها و افزایش آن، اصلاح روش محاسبه مالیات و بازگرداندن مالیات‌های اخاذی شده، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت نفت کارت همانند سایر کارکنان، استفاده از تسهیلات بانکی همانند سایر کارکنان، استفاده از خدمات و امکانات رفاهی و پرداخت برخی مزایای دیگر شغلی، ایجاد تعاونی مسکن، پرداخت همزمان حقوق با سایر کارکنان، اجرای رأی ۳۱۸۸ دیوان عدالت اداری، حق جذب در رأی دیوان عدالت اداری.

حذف پیمانکاران یک مطالبه سراسری در نفت است. حزب کمونیست کارگری از اعتراضات گسترده کارگران ارکان ثالث توسط دیگر بخش‌های کارگران نفت برای برچیدن بساط پیمانکاران مفت‌خور تأکید می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۴مهر ۲۰۲۵

اعتراضات به قطعی متوالی برق و آب

و شصت و هفتمین هفته کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام

جمهوری اسلامی در پاسخ به نیازهای اولیه اجتماعی ناتوان‌تر از هر وقت است و توان تأمین برق و آب و گاز مردم را هم ندارد. هوای آلوده و ناسالم نیز به معضلی برای مردم به‌ویژه در استان خوزستان تبدیل شده و هر روز مردم آسیب‌دیده را راهی بیمارستان می‌کند. اعتراضات بر سر این موضوعات بسیار است. امروز شانزدهم اردیبهشت شهروندان ساکنین شهرهای مختلف در اعتراض به قطعی برق و مشکلات ناشی از آن تجمع و اعتراض داشتند. در اردکان یزد مردم خشمگین در اعتراض به قطع مکرر و طولانی وی برنامه برق و وعده و وعیدهای پوچ مسئولین به خیابان آمدند و با تجمع در مقابل اداره برق خیابان را مسدود کردند. به گفته مردم از خانه و مغازه گرفته تا نانوا و داروخانه، به‌خاطر قطعی برق همه دچار اختلال‌اند. مردم خشمگین با فریاد می‌گفتند "تا برق نیاید، خیابان باز نمی‌شود".

در همین راستا روز گذشته ۱۵ اردیبهشت در شهرهای تهران (بازار آهن‌مکان، بهارستان (شهرک قلمی) و شهرری تجمعاتی از سوی کسبه و بازاریان شکل گرفت. در بازار آهن تهران کسبه حتی دست به اعتصاب زدند. این تجمعات در حالی برگزار می‌شود که شامگاه دوشنبه دانشجویان خوابگاه دخترانه بهشتی نیز نسبت به همین موضوع دست به اعتراض زدند و طبق خبرهای منتشر شده در منطقه پردیس تهران هم شعاردهی شبانه با شعارهای ضدحکومتی سر داده شد. دیوارهای شهرها به محل شعارنویسی علیه مسئولین به‌خاطر قطعی آب و برق و اینترنت تبدیل شده است. در محلاتی از جمله میدان امام حسین کسبه و بازار برای هفدهم اردیبهشت به تجمع فراخوان داده‌اند. مردم می‌گویند قطع برق هم تابع دهک‌بندی است! همانطور که شهرها را دهک‌بندی کرده‌اند، برای قطعی برق هم تبعیض قائل شده و برق مناطق جنوبی و حاشیه شهرها را با اعلام و یا بدون اعلام قبلی قطع می‌کنند. خاموشی‌های مستمر و طولانی‌تر شدن قطعی برق و آب و اینترنت، جان و مال مردم را در خطر فراینده قرار داده است.

خبر اعتراضی دیگر امروز ادامه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۴۱ زندان در شصت و هفتمین هفته این کارزار است. در بیانیه این کارزار ضمن اشاره به

ادامه اعدام‌ها و اعدام ۱۵۴ تن از آغاز سال جاری بر تشدید اعتراض علیه اعدام تأکید شده و در بخشی از آن چنین آمده است "کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام" هشدار می‌دهد در موقعیت کنونی که حکومت ایران در بن‌بست‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفته، از اعدام به‌عنوان اصلی‌ترین عامل سرکوب استفاده می‌کند تا به‌این‌ترتیب مانع شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی و قیام مردم به ستوه آمده شود؛ بنابراین ضروری است که نهادها و سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی، دولت‌های خود را ملزم کنند که روابط خود با حکومت ایران را مشروط به لغو اعدام نمایند؛ زیرا حربه اعدام از هر سلاحی خطرناک‌تر است."

همچنین امروز، همزمان با سه‌شنبه‌های نه به اعدام، تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام با در دست داشتن تصاویر عزیزانشان و نوشته‌های "نه به اعدام"، خواستار لغو احکام اعدام این زندانیان سیاسی شدند. زندگی، حق همه است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۴مهر ۲۰۲۵

تجمع کارگران ارکان ثالث از بخش‌های مختلف در مقابل وزارت نفت

امروز چهارشنبه هفدهم اردیبهشت‌ماه کارگران ارکان ثالث طبق فراخوان قبلی به همراه خانواده‌های خود در مقابل وزارت نفت تجمع اعتراضی را برپا نمودند. بنا بر گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت جمعیتی حدود دوهزار نفری جمع شده بودند و تعداد زیادی از آنان از مناطق مختلف عملیاتی در این تجمع شرکت داشتند. طبق خبرها یگان ویژه و نیروهای امنیتی لباس شخصی پیرامون تجمع اعتراضی کارگران با فواصل مشخص حضور داشتند؛ اما کارگران بدون توجه به آنها به تجمع و اعتراضات و شعاردادن خود ادامه دادند.

اهم مطالبات کارگران ارکان ثالث عبارت‌اند از: حذف پیمانکار و تبدیل وضعیت، همسان سازی حقوقها، اصلاح روش محاسبه مالیات، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت نفت کارت همانند سایر کارکنان، استفاده از تسهیلات بانکی همانند سایر کارکنان، استفاده از خدمات و امکانات رفاهی، اعطای پاداش ازدواج و فرزندآوری همانند سایر کارکنان، ایجاد تعاونی مسکن، پرداخت همزمان حقوق با سایر کارکنان، اجرای رأی ۳۱۸۸ دیوان عدالت اداری، و حق جذب در رأی دیوان عدالت اداری.

در این تجمع اعتراض کارگران شعار می‌دادند: "کارگر داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "اسمش وزیره کاره، حامی پیماکاره"، و "حقوق عادلانه حق مسلم ماست".

در روز گذشته شانزدهم اردیبهشت‌ماه نیز کارگران بازنشسته نفت در امانیه اهواز تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. این کارگران با فریاد "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" بر اتحاد سراسری طبقاتی کارگران تأکید کردند. آنها همچنین شعار می‌دادند "تا رفع ظلم و تبعیض تجمع برقراره"، "صندوق نفت را ببردند، ما را بیچاره کردند"، "بازنشسته بیدار است، از تفرقه بیزار است"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته"، "هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "کرامت، منزلت، حق مسلم ماست"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، و "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم".

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از اعتراضات کارگران بخش‌های مختلف نفر بر همراهی دیگر بخش‌های کارگران در نفت در اعتراض به بساط چپاولگران پیمانکار و اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۷مهر ۲۰۲۵

بانی قتل نیان جلیانی رژیم اسلامی است

حکومت اسلامی می‌خواهد فردی که نیان جلیانی را مورد تجاوز و آزار فیزیکی قرار داده بود در ملاعام اعدام کند. نیان جلیانی روز ۲۸ دی ماه ۱۴۰۳ بر اثر تجاوز و آزار جسمی جان باخت. یک هفته بعد از این واقعه دردناک بود که در روز ۵ بهمن ۱۴۰۳ یکی از کاربهدستان حکومت اسلامی بنام سلمان حیدری فرمانده نیروی انتظامی در واکنش به خشم و اعتراض خیابانی مردم بوکان گفته بود که: "بزدلی عاملین این جنایت اعدام یا سنگسار خواهند شد."

مردم بوکان و مردم سراسر کشور می‌دانند که بانی و مسبب اصلی چنین فجایی حکومت اسلامی و قوانین و تبلیغات و نامنی و کل شرایطی است که این حکومت ایجاد کرده است. مجازات خاکی یا خاکیان خواست هر انسان شرافتمندی است. نه تنها افرادی که مستقیماً در تجاوز و شکنجه و اذیت و آزار نیان نقش داشتند؛ بلکه قاتلین اصلی در بیت رهبری و سپاه و مجلس و دولت هستند. در رژیم اسلامی نه تنها از کودکان محافظت نمی‌شود؛ بلکه قوانین و فرامین اسلامی حاکم تجاوز به کودک را شرعی و مجاز شمرده است. تردیدی نیست که مجرم باید مجازات شود؛ اما اعدام راه حل پایان دادن به جرم و جنایت نیست. حکومت از خشم و اعتراض مردم می‌خواهد استفاده کند تا بساط اعدام راه بیندازد. باید این ترفند حکومت کثیف اسلامی را خنثی کرد. مردم بوکان و سایر شهرهای کشور و فعالین علیه اعدام می‌توانند ضمن خواست مجازات خاکیان این جنایت، علیه اعدام و قتل عمد دولتی قاطعانه بایستند و به آن اعتراض کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران بر محاکمه و مجازات مجرمین این پرونده بر اساس معیارهای دنیای امروز تأکید دارد. نباید اجازه داد که فضای اعتراض بر حق مردم علیه کل دستگاه حاکمیت مبنی بر مجازات مجرمین این پرونده باعث خنثی کردن جنبش علیه اعدام و آدمکشی. حکومت شود. راه پایان دادن به تجاوز نسبت به کودکان، برچیدن بساط کثیف فرهنگ اسلامی و قوانین ضد کودک جنایت کاران حاکم است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۵ مه ۲۰۲۵

دستگیرشدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند

امسال در ایران همچون همیشه شاهد کشاکش بسیاری از سوی کارگران و مردم با نیروهای حکومتی برای برگزاری روز جهانی کارگر بودیم. تحرکات برای گرامیداشت این روز جهانی کارگری وسیع بود. تهدیدات امنیتی از هفته‌ای قبل از اول مه آغاز شد. اما علی‌رغم این تهدیدات در شهرهایی چون کرمانشاه، سنندج، اراک، قزوین، شیراز، هرسین، سنندج، سقز و ممسنی و نورآباد، مراسم‌های روز جهانی کارگر برگزار شدند. در اهواز در هفتم اردیبهشت بازنشستگان تأمین اجتماعی به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و بنر اول مه را برافراشتند. به دنبال فراخوان‌های آنها شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و غیررسمی نفت نیز در اطلاعیه مشترکی از این فراخوان‌ها اعلام پشتیبانی کردند و شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران هم با تأکید بر تداوم اعتراضاتشان فراخوان به گرامیداشت روز جهانی کارگر دادند. در کنار فراخوان‌ها کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و بخش‌های مختلف مردمی با بیانیه‌هایشان به مناسبت این روز جهانی در گرامیداشت آن به استقبال اول مه رفتند.

معلمان و بازنشستگان فراخوان‌دهندگان تجمعات اعتراضی سراسری برای روز یازده اردیبهشت، و دو ستون اصلی برگزاری این روز همبستگی جهانی کارگری در ایران بودند.

سرکوبگری حکومت برای جلوگیری از برگزاری مراسم اول مه امسال در ایران شدیدتر بود. زیرا حکومت از فضای انفجاری جامعه و فوران قدرتمندتر انقلاب وحشت دارد. در روزهای نزدیک به اول مه فعالین صنفی در استان‌های مختلف به‌ویژه در قزوین، کردستان، فارس، خوزستان، مازندران، کرمانشاه، گیلان، و مشهد... با انواع شیوه‌ها مورد تهدید قرار گرفتند. برای معلمان پیامک ارسال شد و تهدید شدند که در تجمع "غیرقانونی" شرکت نکنند. شب قبل از اول مه نیز تماس‌های تهدیدآمیز، احضار فعالان، و حتی اعمال فشار بر خانواده‌های آنان شدت یافت و در روز اول مه در شهرهایی

چون تهران، بوشهر، همدان، رشت و مازندران، نیروهای امنیتی مستقیماً مانع شکل‌گیری تجمعات شدند. در جریان این کشاکش‌ها دستگیری‌هایی نیز صورت گرفت که هنوز سه نفر از بازداشت‌شدگان در تهران به اسامی ولی میرزاسیدی، فراخی شاندیز، احمد حیدری در زندان‌اند. آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنان یک خواست فوری برگزارکنندگان اول مه و همه ماست.

تجمع، اعتراض، تشکل و برگزاری مراسم اول مه حقوق پایه‌ای کارگران و مردم است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تعرض وحشیانه حکومت اسلامی به مراسم‌های اول مه و دستگیری و ضرب و شتم کارگران و شرکت کنندگان در تجمعات را قاطعانه محکوم می‌کند و انتظار همراهی اتحادیه‌های کارگری در سطح بین‌المللی را در این اعتراض و فشار آوردن برای آزاد کردن دستگیرشدگان اول مه را دارد. دستگیرشدگان اول مه، کارگران زندانی و معلمان دربند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FREE THEM NOW)

۳ مه ۲۰۲۵ - ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴

مرگ برزان محمدی زندانی سیاسی سابق، فعال عرصه آزادی زندانیان سیاسی، علیه اعدام و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی سندی دیگر از جنایات رژیم سرکوب، زندان و ضدبشری در ایران است!

۱۲ نهایت تأسف و تأثر عمیق، خبر درگذشت برزان محمدی، فعال سیاسی، زندانی سیاسی سابق و اعضای فعال خانواده دادخواهان اهل سروآباد را گرفتیم.

برزان محمدی، نماد ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و بی‌عدالتی، در طول سال‌ها فعالیت خود همواره با افشاگری‌ها، شرکت در کمپین‌ها و کارزارها در دفاع از زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان و علیه اعدام و مبارزه با سیاست‌های جنایت کارانه جمهوری اسلامی، بارها بازداشت، شکنجه و زندانی شد.

در دوران حبس با نگارش نامه‌ها، پیام‌های صوتی و شرکت در اعتصاب غذا و اعتراض به شرایط نامناسب زندان، در افشای شرایط غیرانسانی زندان، سرکوب و شکنجه سکوت نکرد. برزان پس از آزادی بارها از جمله در مصاحبه با کمیته آزادی زندانیان سیاسی به افشای جزئیات قتل هم‌بندی‌اش علیرضا شیرمحمدعلی پرداخت تا این جنایت را مستند و به سندی علیه جنایت جمهوری اسلامی تبدیل کند.

پس از آزادی، برزان محمدی به فعالیت‌های خود در کمپین‌ها و کارزارهای متعدد در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی، علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی پرداخت. او در پیام‌های ویدئویی مختلفی، از جمله در روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، خواستار آزادی بدون قیدوشرط زندانیان سیاسی و تحریم انتخابات حکومتی شد.

طی تمام این سال‌ها با وجود بیماری‌های مختلف، محروم از دارو و درمان به زندگی مخفی در شهرهای مختلف ادامه داد.

ما اعلام می‌کنیم مهاجرت برزان به گنبدکاووس برای گذران زندگی و اشتغال به کارگری به شهری دوردست از زادگاهش در کردستان و مرگ او بر اثر سانحه سقوط از ساختمان به دنبال تهدیدات مستمر برزان از طرف جمهوری اسلامی، یک مرگ طبیعی نیست.

درگذشت برزان محمدی، ضایعه‌ای بزرگ برای خانواده وی، فعالین عرصه زندانی سیاسی، علیه اعدام، سرنگونی طلب و جامعه است.

کمیته آزادی زندانبانان سیاسی در ایران ضمن ابراز تأسف و همدردی عمیق با خانواده، دوستان و تمام هم‌زمان برزان محمدی اعلام می‌کند مرگ برزان خود نتیجه سیاست‌های حکومتی است که ناقض آزادی بیان است و حق یک زندگی انسانی را از مردم در ایران سلب کرده است. ما یاد و خاطره این مبارز خستگی‌ناپذیر عزیز را گرامی می‌داریم. برزان محمدی سزاوار شایسته‌ترین مراسم یادبود است.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

۸ می ۲۰۲۵، ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۲-۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

جمعه ۱۹ اردیبهشت

در این روز نیز گزارشات از ناسالمی هوا در شهرهای مختلف خوزستان خبر دادند. طبق خبرها هوای شهرهای سوسنگرد و هویزه "ناسالم" است و شهرهای امیدیه، بهبهان، اهواز، حمیدیه، خرمشهر و هندیجان در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس گزارش شد. با اعتراضات گسترده جلوی ادامه این فاجعه زیست‌محیطی را که جان و زندگی و کار مردم را به خطر انداخته باید گرفت.

- فشار آب در شبکه آبفای اکثر شهرهای خوزستان پایین است و مدیریت سازمان آب حاضر به پمپاژ کردن آب برای مردم نیست و بر سر آن اعتراض بسیاری صورت گرفته است. در نتیجه مردم ناگزینند با هزینه خود در منازلشان پمپ آب بگذارند و بدون آن زندگی کردن ممکن نیست و سه میلیون تومان هزینه تعمیر و یا تعویض این پمپ‌هاست. این کار هزینه برق را هم بالا می‌برد. از سوی دیگر کولرگازی اگر نباشد نمی‌شود زندگی کرد. سالانه میانگین ده میلیون تومان هزینه سرویس و تعمیر و تعویض کولرگازی است و هر ده سال نیز باید ۸۰ میلیون تومان صرف خرید کولرگازی جدید کرد. از سوی دیگر دستگاه تصفیه آب یک نیاز حیاتی دیگر مردم است؛ بنابراین هر پنج سال یکبار باید عوض بشود؛ چون دیگر نمی‌شود تعمیرش کرد. با هزینه تعویض فیلتر، میانگین هزینه تعویض دستگاه، سالانه ۴ میلیون میانگین هزینه تصفیه آب برای هر خانواده خوزستانی خرج دارد. سالانه ۵۰۰ هزار تومان نیز هزینه ماسک آن‌هم از نوع ارزانش است.

در کنار همه این هزینه‌ها جاده‌های کاملاً خراب جدا از ناهمی، خسارت سنگینی به خودروها وارد می‌کند و به طور مثال هزینه سالانه خرج یک پراید ۲۵ میلیون تومان است. بعلاوه اینکه هزینه سرویس و شارژ کولر ماشین هم میانگین سالانه یک میلیون تومان هزینه دارد. ضمن اینکه به علت بالازدن فاضلاب شهری، با اندک بارش باران و خشک شدن فاضلاب در خیابان زیر ماشین‌ها نیز دچار پوسیدگی می‌شود. بگذریم که این خود یکی دیگر از مشکلات تنفسی مردم است.

فتر زدن سالانه یکبار راه‌آب فاضلاب منازل نیز با کمترین قیمت ۱ میلیون تومان هزینه دارد. چون غبار ماسه روی سقف خانه‌ها با اولین بارش شسته شده و داخل لوله فاضلاب منزل رسوب می‌زند و بر از ماسه می‌شود.

در خوزستان به دلیل گرمای کشنده هوا مصرف برق و آب خیلی بالاتر از هر استان دیگر است. خصوصاً در ایام تابستان و ماهانه آب و برق یک خانواده خوزستانی ۲ میلیون تومان می‌شود.

بدین ترتیب خوزستان که در دنیای تکنولوژی و منابع طبیعی‌ای که دارد، می‌تواند بهشتی زیبا برای زندگی باشد، امروز در حاکمیت جمهوری اسلامی به یک جهنم تبدیل شده است. به‌ویژه اگر بیکار باشی و درآمدی هم نداشته باشی.

پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت

- گرمای زودرس و بالای ۵۰ درجه، قطعی‌های گسترده برق و آب، و کاهش شدید منابع آبی، زندگی و معیشت مردم در خوزستان را دچار تلاطم کرده و صدای اعتراض مردم بلند شده است. در کشوری که کانون تولید نفت و گاز و برق است و منابع سرشاری از آب دارد، تخریب

محیط‌زیست و چپاولگری‌های حکومت مردم را با مشکل تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی‌شان کرده است. امروز با پدیده جیره‌بندی آب و برق روبرویم و در نتیجه آن نابودی کار و معیشت مردم. دبیر سندیکای صنعت برق نیز با بی‌شرمی می‌گوید: "مردم بادبزنی و آفتابه تهیه کنند تابستان سختی پیش رو داریم"

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت

- جمعی از مردم بهبهان در اعتراض به قطعی هرروزه آب و برق آن‌هم در دمای بالای ۴۰ درجه، بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. بنا به گزارشات در جریان تجمعات این روز و روز قبل از آن ۶ تن از معترضان توسط نهادهای امنیتی بازداشت و بعد از ساعاتی آزاد شدند. همچنین تلفن‌های همراه برخی از معترضان ضبط شده است. مردم می‌گویند در صورت ادامه این وضعیت و مختل شدن زندگی روزمره‌شان بر اعتراضات خود شدت خواهند داد. قطعی‌های مداوم برق و آب، نه تنها موجب خسارت‌های سنگین مالی به کسبه شده، بلکه سلامت مادران باردار، بیماران خاص، دانش‌آموزان و بسیاری از اقشار آسیب‌پذیر جامعه را تهدید کرده است.

- بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، شهر اهواز در این روز در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه‌ها قرار گرفت؛ همچنین هوای چهار شهر دیگر خوزستان نیز برای گروه‌های حساس ناسالم گزارش شده است. هوای هیچ شهری در روز جاری سالم و پاک گزارش نشد.

وجود صنایع آلاینده در خوزستان از جمله نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، نیشکر و... همراه با سیاست‌های تخریبی حکومت اسلامی و سرمایه‌داران مفت‌خور و چپاولگر، موجب شده تا میزان آلودگی در نقاط شهری و روستایی خوزستان به خط‌قرمز برسد و موجب بروز مشکلات سخت معیشتی و جسمی از جمله مشکلات تنفسی، بهداشتی و دیگر عوارض ناگوار جسمانی برای ساکنان شده است.

- محیط‌های کار هر روز قربانی می‌گیرد. در این روز یک کارگر سیمبان در شهرستان دشت آزادگان واقع در استان خوزستان حین انجام کار بر اثر سقوط از تیرک برق جان خود را از دست داده است.

- بیش از ۵۵۰ نفر از فعالان اجتماعی، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و معلمان با امضای بیانیه‌ای، احکام زندان صادر شده برای چهار نویسنده و روزنامه‌نگار خوزستانی به نام‌های فرامرز سده‌دهی، ماندانا صادقی، آرش قلعه‌گلاب و رضا محمدی را محکوم کردند. این احکام که توسط "دادگاه انقلاب" خوزستان صادر شده، به ترتیب ۲۲ ماه و ۱۵ روز برای سده‌دهی، ۴۲ ماه و ۱ روز برای صادقی و قلعه‌گلاب، و ۳ ماه و ۱ روز برای محمدی حبس در پی داشته است.

این نویسندگان در پی اعتراضات مردمی به فاجعه متروپل و قتل حکومتی مهسا امینی هدف برخوردهای قضایی قرار گرفته‌اند. امضاکنندگان با اشاره به وضعیت وخیم سلامتی این افراد، از جمله مشکلات قلبی ماندانا صادقی، تنگی نفس و دیابت آرش قلعه‌گلاب، و بیماری‌های متعدد فرامرز سده‌دهی از جمله سکتة مغزی اخیر، نسبت به جان آنها ابراز نگرانی کرده و خواستار لغو این احکام در مرحله تجدیدنظر شدند.

سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت

پایان زندگی است!» او در پایان هشدار داده که دیگر تاب تحمل تعرض به حریم خانواده‌اش را ندارد.

شنبه ۱۳ اردیبهشت

رئیس شبکه بهداشت و درمان شوش اعلام کرد که در پی افزایش #آلودگی هوا و گردوخاک، روز جمعه ۱۲ اردیبهشت، ۲۸ نفر از شهروندان با علائم تنفسی راهی بیمارستان و مراکز درمانی این شهر شدند. ۲۵ نفر از این تعداد به‌صورت سریایی خدمات درمانی دریافت کردند و سه شهروند جهت سیر مراحل درمانی بستری شدند.

- معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز، اعلام کرد: طی ۲۴ ساعت گذشته در پی افزایش آلودگی اهواز در استان خوزستان، ۸۰۲ نفر از شهروندان با علائم تنفسی و قلبی راهی بیمارستان و مراکز درمانی این استان شدند. به گفته میثم معزی، از این تعداد ۹۲ نفر بستری هستند و مابقی به‌صورت سریایی درمان و ترخیص شدند.

جمعه ۱۲ اردیبهشت

- ماه منیر مولایی‌راد، مادر دادخواه کیان پیرفلک، از تخریب سنگ مزار فرزندش که در جریان شلیک نیروهای حکومتی به‌سوی مردم، در انقلاب زن زندگی آزادی به قتل رسید، توسط مزدوران حکومت خبر داد. جنایتی که به فریاد "حکومت کودک‌کش نمی‌خوایم، نمی‌خوایم، تبدیل شد". ما منیر مولایی‌راد، یکی از سمنبل‌های خانواده‌های دادخواه است. او این اقدام حکومت را نشانه‌ای از بی‌رحمی دانسته و می‌نویسد: "حکومت نه به کودک رحم می‌کند، نه به سنگ قبرش. امروز نوبت من بود، فردا نوبت دیگران". تخریب سنگ قبر کیان پیرفلک پس از حضور ماه منیر در مرکز انتقال خون بندرعباس صورت گرفت؛ جایی که او با خانواده‌های قربانیان فاجعه بندرعباس، ابراز همدردی کرده بود. او گفت که این اقدام وحشیانه حکومت، پاسخی به همبستگی با مردم داغدار و تلاش برای بازتاب صدای مظلومان است.

حکومت اسلامی که با یک جنبش قدرتمند دادخواهی روبروست با تخریب مزار جان‌باختگان، می‌کوشد آثار جنایتش را کم‌رنگ کند. این حکومت حتی از سنگ قبر نیز وحشت دارد.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۹ مه ۲۰۲۵



اخبار خوزستان

- کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام دامنه‌اش به ۴۱ زندان کشیده شده است. زندان‌های شبیان اهواز و سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) هر هفته در این کارزار شرکت دارند. کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در بیانیه خود چنین هشدار می‌دهد: در موقعیت کنونی که حکومت ایران در بن‌بست‌های داخلی و بین‌المللی قرار گرفته، از اعدام به‌عنوان اصلی‌ترین عامل سرکوب استفاده می‌کند تا به این ترتیب مانع شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی و قیام مردم به ستوه آمده شود؛ بنابراین ضروری است که نهادها و سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی، دولت‌های خود را ملزم کنند که روابط خود با حکومت ایران را مشروط به لغو اعدام نمایند؛ زیرا حربه اعدام در دست این استبداد از هر سلاحی خطرناک‌تر است.

- به گفته معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز در این روز، در ۷۲ ساعت گذشته، بیش از ۲۰۰ نفر به دلیل مشکلات قلبی و تنفسی غیرعفونی در پی آلودگی هوا به مراکز درمانی استان مراجعه کردند. ده درصد از این تعداد یعنی بیش از ۲۰ نفر در بیمارستان‌ها بستری و دیگر بیماران صورت سریایی درمان شده‌اند.

- روز گذشته شانزدهم اردیبهشت ماه کارگران بازنشسته نفت در امانیه اهواز تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. این کارگران با فریاد "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" بر اتحاد سراسری طبقاتی کارگران تأکید کردند. آنها همچنین شعار می‌دادند: "تا رفع ظلم و تبعیض تجمع برقراره"، "صندوق نفت را بردند، ما را بیچاره کردند"، "بازنشسته بیدار است، از تفرقه بیزار است"، "بازنشسته داد بزن، حقو فریاد بزن"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته"، "هزینه‌های دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "کرامت، منزلت، حق مسلم ماست"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "حقوق نصف و نیمه، سکوت کنی همینه"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم"

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت

- بازنشستگان مخابرات در یکی دیگر از دوشنبه‌های اعتراضی خود در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی‌پاسخ ماندن خواست‌هایشان در شهرهای مختلف از جمله در اهواز، تجمع کردند.

- مراسم خاک‌سپاری عظیم فرخوند، شهروند اهل دزفول، با حضور گسترده مردم خشمگین در این شهر برگزار شد. عظیم فرخوند شامگاه چهارشنبه، در جریان تجمع اعتراضی مقابل زندان فجر دزفول که در اعتراض به اجرای حکم اعدام یکی از بستگانش برگزار شده بود، با شلیک نیروهای امنیتی جنایت کار جمهوری اسلامی جان خود را از دست داد.

یکشنبه ۱۴ اردیبهشت

- در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل اداره کل این سازمان تجمع داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان شعار می‌دادند "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست"، "روسی را رها کن، فکری به حال ما کن"، "ننگ ما، ننگ ما، صد اوسیمای ما"، "آهای رئیس دولت، دروغ گفتی به ملت"، "بندرعباس تسلیت، تسلیت"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، و "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه".

- مختار آلبوشوکه، پانزده سال است تنها به دلیل یک فعالیت فرهنگی زیر فشار شکنجه‌های روحی و جسمانی و محدودیت‌های شدید در زندان شبیان اهواز به سر می‌برد. بنا بر گزارشات اخیراً خواهر او نیز به دلیل تماس تلفنی با مختار، از سوی نهادهای امنیتی مورد تهدید قرار گرفته است. مختار در نامه‌ای به محسنی اژه‌ای با اشاره به حکم نامشخص اعدام، سپس حبس ابد و سپس پنج سال، نوشته است: «گوئی در قانون اطلاعات خوزستان، فعالیت فرهنگی به زبان عربی مجازاتش حبس تا

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید